

سالمندی

زمستان زندگی

سالمندان اختصاص می‌دهند... کهن سالان هرگز تنها و منزوی نمی‌مانند. همواره یکی از فرزندان برای مواظبت از آنان در اختیارشان است. کهن سالان را هرگز مسخره نمی‌کنند... عقاید آنان دارای ارزش و اعتبار است... «چنین وضعی در قبیله‌ی آلوت نیز مشاهده شده است.»

رشد جمعیت سالمندان در دهه‌های اخیر در دنیا رو به افزایش بوده است. پیرو این رشد کمی، مسائل و مشکلات مربوط به سالمندان نیز با افزایش و پیچیدگی همراه شده و به همین دلیل کوشش‌های گسترده‌ی وسیعی در سطح جهانی برای پیش‌گیری و کنترل این مسائل و مشکلات در حال انجام است.

در ایران نیز روند افزایش سالمندی در سرشماری‌های چند دهه‌ی اخیر اثبات شده و برای کاهش دردها و مشکلات سالمندان از طرف افراد و برخی نهادها کوشش‌هایی در حال حاضر صورت می‌گیرد.

این پژوهش متوجه بخشی از جمعیت سالمندان است که به دلیل از دست دادن همسر، سال‌های واپسین عمر را در تنهایی می‌گذرانند. این گروه، که بخش عمده‌ی آنان را زنان تشکیل می‌دهند، نسبت به سایر سالمندان که متأهل و مستقل هستند از لحاظ مسائل جسمانی و روانی بسیار آسیب‌پذیرتر هستند.

این پژوهش نشان داد که سالمندان تنها زودتر و بیش‌تر بیمار می‌شوند. پژوهش‌های جهانی نیز ثابت کرده است که سالمندان متأهل به طور متوسط، هفت سال بیش‌تر از سالمندان تنهاشده عمر می‌کنند.

سالمندان تنهاشده مشکلات روانی بیش‌تری نسبت به سایر سالمندان دارند و گوشه‌گیرتر، زودرنج‌تر و عصبی‌تر هستند. در ارتباط با فرزندان مشکلات بیش‌تری دارند و نگهداری آن‌ها برای خانواده‌های شهری دشوار است و سرانجام تنها راه حل برای مشکل آن‌ها خانه‌ی سالمندان خواهد بود که این شیوه‌ی زندگی نه تنها مشکل آن‌ها را حل نمی‌کند بلکه به زوال سلامت جسمی و روانی آن‌ها سرعت می‌بخشد. در تحلیل علل تنها ماندن سالمندان پس از فوت همسر، چندین عامل مؤثر است.

می‌توانیم عوامل فرهنگی جامعه که ازدواج را

می‌رسد. امید به زندگی برای سالمندان متأهل ۳۵ درصد و برای تنها شده‌گان هفت درصد است. اما پیش از نتیجه‌گیری قطعی، اشاره به نکاتی ضروری است. پژوهشی از این نوع با ارزش‌های جامعه سروکار دارد. ارزش‌های جامعه، مجموعه‌ای از عوامل همچون شرایط اقتصادی، شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، مذهب، و به طور اعم فرهنگ جامعه است. اما هیچ‌یک از این عوامل به تنهایی در تبیین ارزشی ویژه نقش نهایی را بازی نمی‌کنند. نقش ارزش‌های اجتماعی در رابطه با کهن سالان نیز از این قاعده مستثنا نیست.

گروهی از جامعه‌شناسان بر این باورند که شرایط اقتصادی و گرسنگی عاملی است که اسکیموها را وادار می‌کند تا کهن سالان ناتوان را در هنگام کوچ رها کنند و به راه خود ادامه دهند و برای اثبات ادعای خود، نمونه‌های فراوانی را نیز گردآوری و گزارش کرده‌اند. نمونه‌ای از قبیله‌ی چوک چی در سیبری نقل می‌کنند که کهن سالان ندار و ناتوان بار اضافی به شمار می‌آمدند و در جشن بزرگی که برای آنان بر پا می‌شد و پسر یا برادر کوچک‌تر مرد کهن سال محکوم به مرگ در پشت سر او قرار می‌گرفت و با استخوان خوک آبی او را خفه می‌کرد.

اما همین جامعه‌شناسان نمونه‌هایی گزارش کرده‌اند که خط بطلان بر فرضیه‌ی اقتصادی بودن این ارزش می‌کشد. ... قبیله‌ی پاکستان در شمار ابتدایی‌ترین قبایل شناخته شده است، مردم این قبیله غالباً در گرسنگی به سر می‌برند و همواره وقت خود را در جست و جوی غذا می‌گذرانند. آنان فرزندان بسیاری به وجود آورده و نزد خود عزیز می‌دارند و سختی‌بار زندگی را به خاطر آنان تحمل می‌کنند، از پسران و دختران به خوبی نگهداری می‌شود، آن‌ها عمیقاً به والدین خود وابسته‌اند و زمانی که قبیله در اردوگاه به سر می‌برد، دوست دارند در کلبه‌ی والدین خود باشند، این تعلق و محبت به والدین در زمانی که آنان کهن سال می‌شوند نیز پابرجاست. همه‌ی کهن سالان از احترام دیگران برخوردارند... غذا میان همه‌ی مردم قبیله تقسیم می‌شود و به کهن سالان بیش از دیگران غذا داده می‌شود... بهترین جای کلبه را به

● در کشورهای جهان سومی، درصد عمده‌ای از زنان به علت شرایط خاص زندگی و زایمان‌های مکرر، زودتر از مردان فرسوده شده و کم‌تر به دوره‌ی کهن سالی می‌رسند.

در شماره‌ی پیش‌بخش نخست مشکلات سالمندان تنها شده‌ی شهری به چاپ رسید. در بخش پایانی این تحقیق نتیجه‌گیری، جمعیت‌شناسی سالمندان، پیشینه‌ی تاریخی نظام باننشستگی در جهان و خانه‌ی سالمندان در کشورهای پیشرفته ارائه می‌شود.

نتیجه‌گیری:

□ به موجب سرشماری سال ۷۵، سالمندان کشور ۶/۶ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دادند، ۵۳/۷ درصد سالمندان مرد و ۴۶/۳ درصد زن بوده‌اند.

□ از کل مردان سالمند ۸/۳ درصد و از کل زنان سالمند ۴۶ درصد تنها شده هستند. زنان تنها شده‌ی شهری ۴۸ درصد و شمار زنان تنها شده‌ی روستا ۴۲ درصد است.

□ ۱۳/۶ درصد سالمندان تنها شده، باسواد و ۲۹ درصد بی‌سواد هستند.

□ نداشتن منبع درآمد مستقل و میزان درآمد پایین، عامل عمده‌ای در تنها بودن سالمندان - به ویژه در میان مردان - است.

□ نداشتن مسکن مستقل و مناسب نیز عامل مهمی در تنها ماندن فرد سالمند است.

□ ۷۶ درصد سالمندان تنهاشده از بیماری‌های جسمی شکوه دارند، ۶۵ درصد از سالمندان متأهل و ۹۵ درصد از سالخورده‌گان ساکنین سرای سالمندان از مشکلات جسمی می‌نالند.

□ احساس تنهایی در سالمندان، پدیده‌ای عادی است اما همین احساس در سالمندان تنهاشده بیش‌تر از سالمندان متأهل است. در مورد سالخورده‌گان ساکنین سرای سالمندان این احساس تنهایی به ۹۵ درصد



برای سالمندان و به ویژه برای زنان سالمند زشت می‌داند و تعصب داشتن فرزندان ذکور، نسبت به ازدواج پدر و به ویژه مادر سالمند خود را از علل تنها ماندن سالمندان برشماریم.

عوامل اقتصادی نیز نقش تعیین کننده‌ای در تنها ماندن سالمندان، به ویژه مردان سالمند تنها دارد. اگر سالمندان توان اقتصادی برای مستقل بودن نداشته باشند - که اکثریت زنان سالمند این مشکل را هم دارند - به ناچار به فرزندان خود وابسته می‌شوند و طبیعی است که امکان ازدواج دوباره در این شرایط وجود نخواهد داشت.

خانه‌های سالمندان نیز با شکل کنونی خود که واحدهای جدا شده از جامعه و به عنوان راه نجات برای فرزندان و خانه‌ی آخرت برای سالمندان است، مشکل‌گشا نخواهد بود.

تجدید نظر اساسی در نگرش جامعه نسبت به عوامل فرهنگی - اجتماعی از طریق رسانه‌های جمعی، تجدید نظر در برخی از قوانین بازنشستگی و بیمه و تأمین اقتصادی سالمندان از سوی دولت، و دخالت مستقیم مدیران و اندیشمندان و توانمندان و خلاصه همه‌ی افراد جامعه برای طراحی فضاهای مناسب در بطن جامعه برای ادامه‌ی زندگی سالمندان در کنار یکدیگر و در تماس روزمره با فرزندان راه‌حل‌هایی است که با کمی همت قابل اجرامت.

پیشنهادهای

۱- مسکن سالمندان

دولت و نهادهای مردمی باید برنامه‌هایی تهیه کنند که به موجب آن خانه‌های کوچک و مناسب با وضع سالمندان به صورت مجتمع‌هایی که به وسیله خود آن‌ها اداره شود، تهیه کنند تا کهن سالان در واپسین سال‌های عمر خود از این خانه به آن خانه نشوند.

مسکن یکی از عوامل مهم ایجاد امنیت روانی برای سالمندان است. تأمین مسکن سالمندان راه را برای سایر برنامه‌ها در جهت رفع مشکلات آنان فراهم می‌سازد.

۲- تأمین معاش سالمندان

دولت و سازمان‌های بیمه‌گر باید برنامه‌هایی برای زیر پوشش درآوردن همه‌ی سالمندان و کهن سالان تدارک ببینند. این مهم توسط دولت شهید رجایی آغاز شد و دولتمردان باید این کار را به انجام برسانند. امنیت مالی نیز یکی از عوامل مهم آسودگی خاطر و

● یکی از علل تنها ماندن سالمندان، عوامل فرهنگی جامعه است که ازدواج را برای سالمندان و به ویژه برای زنان سالمند زشت می‌داند.

امنیت روانی کهن سالان به ویژه کهن سالان تنها شده است.

۳- تأمین بیمه‌های درمانی

سازمان‌های بهداشتی و تأمین اجتماعی باید با برنامه‌های جدی و عملی در راه تأمین بهداشت و درمان کهن سالان اقدام کنند.

وجود چنین مراکزی می‌تواند اطمینان خاطر روانی و جسمانی برای کهن سالان و خانواده‌های آن‌ها باشد.

۴- برخورد با افکار عمومی

رسانه‌های عمومی باید با کار فرهنگی پیوسته این مسئله را برای افکار عمومی عادی سازند که کهن سال اگر تنها شد - چه مرد و چه زن - می‌تواند ازدواج کند و این عمل نه تنها عمل زشتی نیست بلکه کار درست و پسندیده‌ای نیز هست، زیرا برای سلامت روان و جسم سالمندان سودمند است.

۵- ایجاد اشتغال

سرگرمی و اشتغال، راه مؤثری برای نجات کهن سالان از آسیب‌های روانی و جسمانی است. دولت و نهادهای اجتماعی می‌توانند از تجربه‌ی کهن سالان در فعالیت‌های اجتماعی، خیریه و کارهای فرهنگی بهره‌مند شوند و نیز در اموری که با صرف انرژی اندک در ساعتی از روز می‌تواند برای کهن سالان سازنده باشد و تفکر - هنوز سودمند بودن - را در آن‌ها ایجاد کند.

همچنین دولت می‌تواند با امتیازهایی که به مؤسسه‌های بخش خصوصی می‌دهد آن‌ها را در استفاده‌ی پاره وقت از کهن سالان تشویق کند.

۶- برنامه‌های تفریحی کوتاه مدت

سفرهای زیارتی و سیاحتی یکی از ابزارهای مهم برای گردهم آوردن کهن سالان کنار یکدیگر و استفاده‌ی مطلوب از اوقات فراغت آن‌هاست. دولت و نهادهای ذی‌ربط، می‌توانند مؤسسه‌های ایران‌گردی و گردشگری بخش خصوصی را موظف کنند که در ازای بعضی امتیازها و معافیت‌ها، گردش‌های ارزان قیمت و

کوتاه مدت برای کهن سالان در برنامه‌های خود منظور کنند.

۷- برنامه‌های تفریحی دائمی

صدا و سیما می‌تواند برنامه‌های ویژه‌ی سالمندان را که توسط خود آن‌ها تهیه و اجرا شود، فراهم کند. کهن سالان بیش تر به برنامه‌هایی که به گذشته و زمان آن‌ها توجه داشته باشد، نیازمند هستند.

همچنین مطبوعات ویژه‌ی سالمندان می‌تواند در پرکردن اوقات فراغت آن‌ها و تجدید بسیاری از خاطرات دوران زندگی آنان مؤثر باشد. کاری که متأسفانه در هیچ زمینه‌ای مورد توجه نبوده است.

۸- کنترل سرراه‌های سالمندان

در سال‌های اخیر سرراه‌های سالمندان به سرعت رشد یافته‌اند. تا آن‌جا که مربوط به نهادهای دولتی و سازمان بهزیستی است، مسئله اجتناب‌ناپذیر بوده اما رشد سریع این مؤسسه‌ها توسط بخش خصوصی - که بیش تر با اهداف اقتصادی است - باید با دقت و تأمل پیش‌تری مورد تجدید نظر قرار گیرد. این مؤسسه‌ها می‌توانند ابزاری در دست خانواده‌هایی باشند که برای گریز از مسئولیت کهن سالان را از خانواده جدا می‌کنند.

۹- انتخاب فرزند نمونه

روزگاری رسم بود که مادر نمونه و یا پدر نمونه انتخاب می‌شد و هنوز هم به مناسبت‌هایی این انتخاب‌ها انجام می‌شود. دولت و نهادهای مسئول با کمک رسانه‌ها می‌تواند با کارهای تبلیغی و فرهنگی، وظایف شرعی و قانونی فرزندان را در مورد پدران و مادران کهن سال مطرح و حتا هر ساله فرزندان نمونه را انتخاب و به جامعه معرفی کند.

ما نیازمندیم که به هر شکل و شیوه‌ای که می‌توانیم با کمک به خانواده‌ها و کهن سالان نهاد خانواده را استوار کنیم.

ما باید به هر قیمتی که می‌شود فرزندان خود را از وجود پدر بزرگ و مادر بزرگ، و پدران و مادران کهن سال را از نعمت خانواده محروم نکنیم.

۱۰- ایجاد باشگاه‌های سالمندان

با ایجاد باشگاه‌های سالمندان در مناطق مختلف، می‌توان ساعات بی‌کاری سالمندان را با برنامه‌هایی که توسط خود آن‌ها اداره می‌شود، پر کرد. ضمن این که این افراد از خانواده جدا نشده و از محیط زندگی خود نیز دور نمی‌افتند. بودجه‌ی این باشگاه‌ها توسط خود سالمند یا دولت و شهرداری‌ها تأمین خواهد شد.

۱۱- ایجاد دهکده‌های سالمندان

در سطح وسیع‌تر می‌توان دهکده‌هایی برای زندگی دائم سالمندان تدارک دید که امور آن توسط خود سالمندان اداره شود.

در این دهکده‌ها می‌توان به فراخور حال هر سالمند، نقش‌هایی به او واگذار کرد. بودجه‌ی نخستین تأسیس این دهکده‌ها را افراد نیکوکار یا شهرداری‌ها تأمین کرده و با ایجاد فعالیت‌های انتفاعی، هزینه‌های جاری آن تأمین خواهد شد.

پیش‌بینی می‌شود که در دهه‌ی دوم قرن آینده، فزونی جمعیت سالمندان جهان مسئله‌ی مهم جهانی باشد، چرا که بنابر آمارهای موجود، در سال ۱۹۵۰ در جهان حدود ۲۰۰ میلیون جمعیت سالخورده وجود داشت که به‌طور برابر در مناطق توسعه یافته و توسعه نیافته‌ی جهان توزیع شده بودند، در سال ۱۹۷۵ شمار سالمندان به ۳۵۰ میلیون نفر رسید با همان توزیع.

پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۰۰ جمعیت سالمندان جهان، به ۶۱۴ میلیون نفر رسیده و نسبت آن‌ها در مناطق در حال توسعه‌ی جهان به ۶/۲ درصد افزایش یابد و در سال ۲۰۲۵ که شمار جمعیت سالمندان دو برابر می‌شود، یعنی به ۱/۲ میلیارد نفر می‌رسد، اکثریت آن‌ها یعنی ۷۲ درصد آن‌ها در کشورهای در حال توسعه خواهند بود.

آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که در طول ۷۵ سال، یعنی از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۲۵، جمعیت سالمند جهان شش برابر می‌شود که دو برابر رشد کل جمعیت جهان در این مدت است، یعنی جمعیت سالمندان نزدیک به سه برابر رشد خواهد داشت.

موضوع دیگری که در جمعیت‌شناسی سالمندان معمولاً مورد مطالعه قرار می‌گیرد، نرخ وابستگی سالمندان به افراد در سن فعالیت است.

توجه دیگری که جمعیت‌شناسی به گروه سنی سالمندان دارد، مطالعه‌ی توزیع آن‌ها برحسب نوع جنس است، احتمالاً می‌توان گفت که در بیش‌تر کشورهای جهان، طول عمر زنان بیش‌تر از طول عمر مردان است (برخلاف آمارهای اعلام شده در ایران).

پیش‌بینی می‌شود در فاصله زمانی ۴۰ سال، میان سال‌های ۱۹۸۵ تا ۲۰۲۵ در کشورهای توسعه یافته، به شمار افراد ۷۰ ساله و بالاتر، ۳۲ میلیون مرد در برابر ۳۸ میلیون زن افزوده شود و در همان فاصله‌ی ۴۰ سال، در کشورهای در حال توسعه شمار ۲۸۶ میلیون مرد، در برابر ۳۱۷ میلیون زن افزوده خواهند شد. (تا امروز این اتفاق در کشور ما رخ نداده است.)

تغییر ساختار سنی و پیر شدن جمعیت از نظر جمعیت‌شناسی:

۱ - پیر شدن جمعیت امری ست اجتناب‌ناپذیر و پذیرفته شده.

۲ - پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که انتقال به سوی پیر شدن جمعیت در کشورهای در حال توسعه با سرعت بسیار زیادتری نسبت به کشورهای توسعه یافته در حال وقوع است.

۳ - سرعت افزایش نسبت سالمندان در کشورهای در حال توسعه، از کشورهای توسعه یافته فراتر خواهد رفت.

۴ - سالخوردگی جمعیت که در حال حاضر به عنوان مسئله‌ی خاص کشورهای توسعه یافته مطرح است، در اوایل قرن آینده، کشورهای در حال توسعه را نیز فرا خواهد گرفت و این کشورها هم دارای ساخت جمعیتی سالخورده خواهند شد.^۲

● پژوهش‌های جهانی ثابت کرده است که سالمندان متأهل به طور متوسط، هفت سال بیش‌تر از سالمندان تنها شده عمر می‌کنند.

● نداشتن مسکن مستقل و مناسب، عامل مهمی در تنها ماندن فرد سالمند است.

مشکلات زنان تنها شده

۱ - در ایران شمار زنان سالخورده‌ای که به تنهایی زندگی می‌کنند، از مردان بیش‌تر است (با توجه به این که در همه‌ی سرشماری‌های گذشته در ایران، درصد زنان سالمند از درصد مردان سالمند در کل کشور کم‌تر گزارش شده است.)

۲ - تنهایی مستمر، به‌طور طبیعی برای سالمندان مشکلات روانی به دنبال خواهد داشت. برآیند چنین تأثیرهایی موجب می‌شود که سالمند به جای اشتیاق به ادامه‌ی زندگی، آرزوی مرگ داشته باشد.

۳ - طلاق موجب تنهایی سالمند و تنهایی از عوامل سوق دهنده‌ی سالمند به آسایشگاه است.

۴ - از مجموع سالمندان ساکن سرراه، زنان بیش‌ترین رقم را دارا هستند. برای نمونه از ۱۲۰۰ نفر سالمند (غیرمعمول) ساکن در آسایشگاه کهریزک ۹۰۰ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. (به‌طور کلی ۱/۳ از کل.)

۵ - فوت همسر مهم‌ترین علت تنهایی زنان سالمند است.

۶ - در طی چند دهه‌ی گذشته گرایش‌ها و باورهای منفی نسبت به سالمندان در دنیا افزایش یافته است.

۷ - در مقایسه با حال، سالمندان در گذشته دارای مقام اجتماعی بهتری بودند، چرا که حاملان دانش، تجربه و عقل به شمار می‌آمدند و آنچه که آنان انتقال می‌دادند، در حکم حقایق جاودان بود. اما امروزه به‌هیچ‌وجه چنین نگرشی وجود ندارد.

۸ - مرگ اجتماعی، از خود بیگانگی و نداشتن امکانات مالی و رفاهی، زنان سالمند را بیش‌تر از مردان راهی سرای سالمندان می‌کند.

۹ - در میان سالمندان ساکن در سرراه، احساس تنهایی مسئله‌ای عمده است.

۱۰ - آرزوی مرگ در میان سالمندان ساکن در سرراه، فراوانی بیش‌تری دارد.

۱۱ - عوامل فرهنگی و سنت‌های اجتماعی، عرف و اخلاق حتا زنان جوان شوهر از دست داده‌ی ما را تشویق به تنها ماندن می‌کند (برخلاف مردان.)

۱۲ - عوامل اجتماعی، محدودیت‌ها، منع‌ها، تعصب‌ها که تنوع آن برای زنان جامعه‌ی ما کم نیست، مانع

ادامه‌ی تحصیلات، امکان اشتغال و در نتیجه موجب به دست نیوردن موقعیت‌های مطلوب در زمینه‌های اقتصادی مانند مسکن، درآمد مشخص و به‌طور کلی استقلال زنان می‌شود.

۱۳ - در جامعه‌ی پدر سالار، وقایع مهم دوران پیری - بازنشستگی و بیوگی - در زندگی زنان سالمند تأثیر بیش‌تری می‌گذارد تا مردان سالمند و آن به دلیل مهم‌تر بودن نقش شوهر در زندگی زن است، چرا که منزلت اجتماعی زن اغلب بازتاب موقعیت‌های شوهر اوست و مرگ و بازنشستگی شوهر، داسر است با از دست دادن بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی که امکان جبران آن به ویژه در سن پیری بسیار کم است. در صورتی که این شرایط برای مردان تأثیر اجتماعی کم‌تری به دنبال دارد و با ازدواج دوباره، جبران آن مشکل نخواهد بود.

□

پیشینه‌ی تاریخی نظام بازنشستگی در جهان

تا پیش از انقلاب صنعتی، کارگران از مستمری و حقوق ثابت برخوردار نبودند. انقلاب در اروپای قرن ۱۷، موجب بروز تغییرات فوق العاده‌ای در شئون گونه‌گون زندگی اجتماعی و ظهور افکار و دیدگاه‌های تازه شد. در سال ۱۸۹۹ میلادی چارلز بوث، رییس اداره‌ی مراقبت از سالمندان انگلیسی، به کمک‌های مالی که به مستخدمان پیر و از کار افتاده می‌شد، اشاره کرده و می‌گوید: «خیر خواهی و مساعدت در دوران کهولت و از کارافتادگی به پاس خدمات دوران جوانی، نوعی نظام بازنشستگی است»^۳

نظام بازنشستگی که در اروپای قرن ۱۷ برقرار شده بود، رفته رفته به کشورهای دیگر نیز که مؤسسه‌های عظیم صنعتی و بازرگانی داشتند، نفوذ کرد.

بین سال‌های ۸۹ - ۱۸۸۳، قوانینی توسط بیسمارک به منظور پشتیبانی از کارگران صنعتی با درآمدی کم‌تر از مبلغ معین، وضع شد که نمونه‌هایی از شکل اول مداخله‌ی دولت است. در قانون ۱۸۸۹ که به افراد ناتوان، پیر و از کارافتاده بیمه‌ی اجباری تعلق



می‌گذرد، واکنش‌های روانی سالمندانی که در چنین مسکن‌هایی سکونت گزیده‌اند، نشانگر خشنودی و راحتی سالمندان در این خانه‌هاست.^۶

در کشور فرانسه پس از جنگ جهانی دوم، به علت دشواری‌های خاص مالی، بهداشتی، روحی و روانی ضرورت ایجاد بخش‌های خدمات رفاهی برای همه‌ی طبقات و به ویژه سالمندان احساس شد. در این دوران دامنه‌ی فعالیت‌های بخش‌های رفاهی به دلیل توسعه‌ی روز افزون صنایع گسترش یافت و به طور کلی مسئولیت مربوط به طبقات مختلف اعم از پیر و جوان به مؤسسه‌های مذکور سپرده شد.

در کشور انگلستان نیز همزمان با جنگ جهانی دوم، پژوهش‌هایی در زمینه‌ی رفاه گروه‌های مختلف جامعه انجام گرفت و خدماتی نیز در اختیار نیازمندان از جمله سالمندان قرار داده شد. یکی از بررسی‌هایی که در این زمینه انجام گرفت، بررسی بنیاد نافلید در این کشور است. بنیاد مزبور حدود یک ربع قرن پیش، در کشور انگلیس به بررسی مسائل سالمندان و چگونگی مراقبت از آنان پرداخت.

پس از تصویب قانون ۱۹۴۰ در انگلیس - که در مورد رفاه اجتماعی و افزایش مستمری سالمندان و یوه‌گان است - فقر حادی که پیش از تصویب قانون به چشم می‌خورد، تا اندازه‌ای کاهش یافت. با تصویب قانون مذکور، گرچه مسئله‌ی مالی سالمندان تا حدودی مرتفع شده بود و آن‌ها قادر بودند به تنهایی زندگی کنند ولی نیاز آن‌ها به هنگام بیماری و رسیدگی به امور منزل بیش از نیاز مالی احساس می‌شد. و نیز معلوم شد، که بازدید کشیش‌ها و راهنمایان مذهبی یا غیر مذهبی از سالمندان در وضع روحیه‌ی آنان اثر بسیار مطلوبی به جا می‌گذارد.^۷

در حال حاضر سالمندان در کشور انگلیس، از بهداشت و درمان رایگان استفاده می‌کنند و برای آن گروه از سالمندان که مایل به زندگی با افراد فامیل نیستند، شهرداری و انجمن‌های رفاهی با دریافت مبلغ مختصری - برای خانه و غذا و خدمات بهداشتی و پزشکی (در محل مسکونی آن‌ها) - از آنان مراقبت می‌کنند.

در حال حاضر در جامعه‌ی آمریکا، هر شهروند از آغاز تولد تا زمان پیری و از کارافتادگی از انواع پوشش‌های حمایتی به تناسب سن و نوع نیازمندی برخوردار است.

با توجه به افزایش شمار سالمندان، کارهای رفاهی در این زمینه به‌ویژه دارای اهمیت است. به طوری که سالخورده‌گان از انواع بیمه‌های درمانی، بهداشتی استراحتگاه‌ها، خانه‌ی سالمندان و وسایل تفریحی به منظور گذران اوقات فراغت بهره‌مند می‌شوند.

به تازگی در ایالت متحده‌ی آمریکا انجمنی تشکیل شده است که وظیفه‌اش رساندن غذای گرم و کافی روزانه به افراد سالخورده‌ایست که قادر به تهیه‌ی غذا برای خود نیستند، نحوه عمل آن‌ها چنین

بقیه در صفحه ۶۵

استراحتگاه‌ها و خدمات توان بخشی و انجمن‌های سالمندان که هر یک می‌تواند در نوع خود وسیله‌ای امید بخش و خشنودی‌زا برای سالمندان باشد.^۵

خانه‌ی سالمندان در کشورهای پیشرفته

خانه‌ی سالمندان در کشورهای اروپایی نخست به صورت خانه‌ی بازنشستگان تأسیس و کم‌کم به شکل خانه‌ی پیران درآمد و افراد بازنشسته و متزوی و سالخورده‌گانی را که به عللی نمی‌توانستند با خانواده‌هایشان زندگی کنند، در خود جای داد و از کمک‌های خدمات اجتماعی و بهداشتی در سطح وسیعی بهره گرفت و برنامه‌های خاصی برای بحث و بررسی و در نتیجه برای جلوگیری از احساس تنهایی سالمندان در این خانه‌ها ترتیب داده شد ولی نتوانست محیط مناسب و قابل تحمیلی برای سالمندان فراهم کند.

زیرا جامعه‌ای که منحصر از سالخورده‌گان تشکیل یافته باشد، از یک سو مرگ و میر بسیار بالا دارد و از سوی دیگر همه‌ی افراد در جریان مرگ و میرها قرار می‌گیرند و هر روز شاهد از دست دادن دوست و همصحبیت و یا همسایه‌ای می‌شوند. احساس مطرود شدن از اجتماع و بی‌فایده بودن و منتظر مرگ شدن چیزی نیست که بتوان به آسانی آن را پذیرفت و تحمل کرد. به این ترتیب، طرح یاد شده، حتا در غرب به عنوان طرحی مناسب مورد قبول واقع نشد.

در دانمارک ساختن خانه‌های کوچک یک طبقه به صورت قسمتی از خانه‌سازی این کشور برای سالمندان در نظر گرفته شده است. در انگلستان نیز روش تازه‌ای از سوی دولت پذیرفته شده که این روش شامل ساختن خانه‌های کوچک یا اتاق‌های مجهز به تمام وسایل و تجهیزات لازم است، موقعیت مکانی این خانه‌ها در تقش‌های کلی ساختمان، طوری انتخاب شده که تا جایی که ممکن است از انزوای سالمندان جلوگیری شود، این شیوه در سوئد و سوئیس نیز استفاده می‌شود.

کمسیون عالی بررسی مشکل مسکن سالمندان در فرانسه، پس از بررسی‌های بسیار به این نتیجه رسیده که با وجود مدت کمی که از ایجاد انواع خانه‌ها

گرفت و تأمین هزینه‌ی آن به عهده‌ی کارگران و کارفرمایان و دولت گذاشته شد.

این سیستم بیمه، حداقل بازنشستگی را برای هر کارگر در برابر سال‌های خدمت تضمین می‌کند. بدین ترتیب با ایجاد نظامی برای پشتیبانی از اشخاصی که جوانی خود را به کار خدمت گذرانده و به هنگام پیری ناتوان شده‌اند اساس بیمه‌ی امروزی بنیان گذاشته شد. این امر نخستین اقدام تاریخی، برای تأمین وضع مالی سالمندان و توجه به مسائل سالمندی به شمار می‌رود.

در بریتانیا افزون بر نظام بازنشستگی، مشخصه‌های ویژه‌ای به این نظام افزوده شد. بدین ترتیب انگلیس نخستین کشوری بود که اقدامات رفاهی را نیز بر نظام بازنشستگی در سطح کشور افزود.

قانون ۱۹۲۵ بیمه‌ی اجباری در بریتانیا، کارگران ۶۰ ساله و بیوه‌ها و کودکان بی سرپرست را با مبلغی مشخص زیر پوشش قرار داده ولی حقوق بگیرانی که درآمد آنان از مبلغ معینی بیش تر بود، از این قانون مستثنای کردند.

در ۲۰ سال گذشته، همگام با توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای دنیا و تکامل قوانین و پشتیبانی از سالمندان کوشش شد همه‌ی افراد از طبقات مختلف، زیر پوشش‌های پشتیبانی قرار گیرند و سطح مزایا بهبود یابد تا به هنگام پیری، سالمندان بتوانند از مستمری قابل توجهی برخوردار باشند. چرا که مبلغ بازنشستگی را نباید صرفاً براساس حجم مشارکت و مدت پوشش تعیین کرد، بلکه روند کلی تولید و سطح هزینه‌ی زندگی را هم باید در نظر گرفت تا سالمندان بتوانند از ثبات مؤثر و شرایط اجتماعی و اقتصادی خود بهره‌مند شوند.^۴

در حال حاضر، به غیر از تعیین بازنشستگی و تطبیق آن با سطح هزینه‌ی زندگی، مزایای غیرنقدی دیگری که به عنوان پشتیبانی از پیران و از کارافتادگان برای کارمندان و کارگران و به طور کلی برای سالمندان در کشورهای اروپایی (هلند، دانمارک، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، آلمان، بلژیک) تعلق گرفته است، عبارتند از: مراقبت‌های پزشکی و کمک‌های خانوادگی برای نگهداری از سالمندان، کلوب‌ها،

مدیریت خانواده - ۴

● با گذشت زمان به تدریج باید به مسئولیت‌های فرزندان اضافه کرد و کارهای مهم‌تر و نسبتاً سنگین‌تری بر عهده‌شان گذاشت.

در شماره‌ی پیش قول دادیم که این بار، درباره‌ی راه‌های صرفه‌جویی در وقت و مبارزه با آفت‌های آن سخن بگوییم.

- چرا صرفه‌جویی؟ (هر کاری که می‌کنیم باید

دلیلی داشته باشد. برای چه در مصرف وقتمان صرفه‌جویی کنیم؟)

- برای این که بتوانیم این وقت را برای رسیدن به هدف‌های مهم و ارزشمند خویش صرف کنیم.

- چه وقت می‌توانیم این کار را بکنیم؟

- وقتی که هدف‌های ما در زندگی کاملاً مشخص و اولویت‌دستیابی به آن‌ها نیز کاملاً معین باشد. اصول را هیچ وقت نباید فراموش کرد. به یاد دارید که اصول مدیریت زمان عبارت بودند از: ۱- داشتن اهداف مهم و ارزشمند با سر رسیدن معین. ۲- مشخص بودن درجه‌ی اولویت این اهداف. ۳- کار با برنامه و به ترتیب اولویت تا رسیدن به هدف.

گفتیم که جوهره‌ی مدیریت زمان همین رعایت اولویت در کارهاست: تا کار مهم‌تری زمین مانده، نباید دست به کار کم‌اهمیت‌تری بزنیم. همچنین گفتیم که برای دستیابی به موفقیت از راه مدیریت زمان، باید کارهای کم ارزش و بیهوده را یکسره کنار بگذاریم، چون ارزش وقت یا عمر ما را ندارند. خواجه نصیرالدین طوسی از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می‌کند که «هر کس عمرش را در کارهای بیهوده صرف کند، از انجام کارهای مهم و با ارزش باز می‌ماند».

راه‌های صرفه‌جویی در وقت

برای این که در وقت صرفه‌جویی کنیم، باید نخست تا جای ممکن از بارسنگین کارهایمان بکاهیم و دوم، با به‌کارگیری فنون مدیریت زمان بهتر و مؤثرتر کار کنیم.

- چگونه از بار سنگین کارهایمان بکاهیم؟

- یک راه آن تفویض اختیار است.

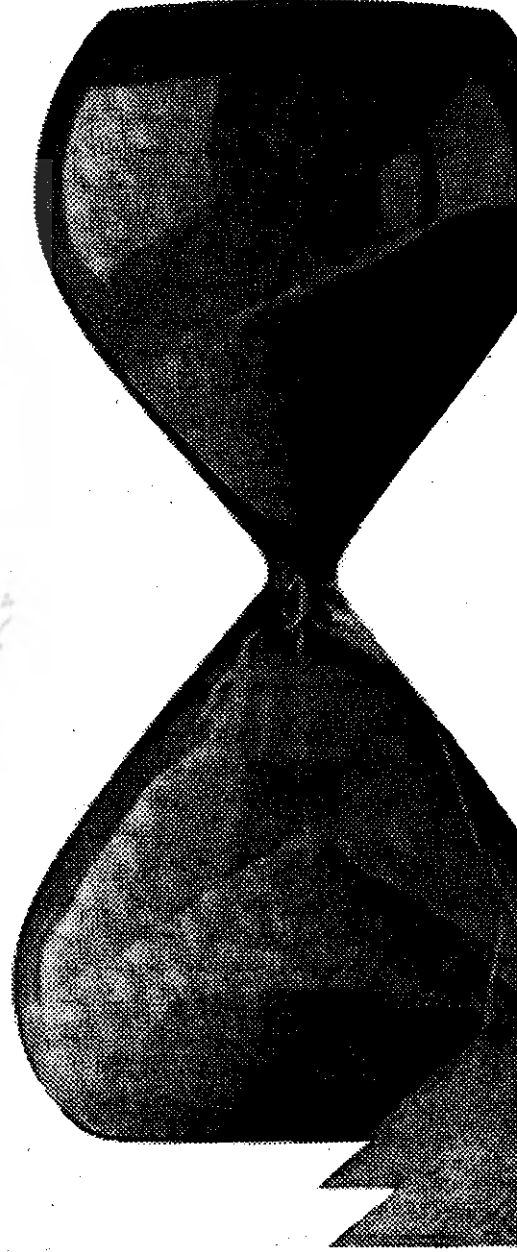
۱- تفویض اختیار: مدیران در برابر مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند، صاحب اختیارهایی هستند. مدیران موفق بخشی از اختیارهای خود را به زیر دستانشان تفویض می‌کنند، تا آن‌ها بتوانند از عهده‌ی مسئولیت‌هایی که مدیران بر دوش آن‌ها نهاده‌اند به خوبی برآیند.

- کاربرد این موضوع در مدیریت خانواده چیست؟

- در خانواده‌های امروزی که مثل ادارها، رئیس و مرئوس و بالابست و زیربست نداریم. وظیفه‌ی اصلی والدین تأمین معیشت خانواده و تربیت فرزندان است. بخش مهمی از این تربیت آماده کردن بچه‌ها برای قبول مسئولیت‌های بزرگ در آینده است. پسران و دختران باید در محیط خانواده‌هایشان درس‌های زندگی فردا را بیاموزند و تمرین کنند. خوب است شما به‌عنوان مدیر خانواده، همه‌ی مسئولیت‌ها و کارهای موجود در خانه را روی کاغذ بنویسید و در یک نشست خانوادگی به تقسیم کار بپردازید. البته پیش از تقسیم کار باید مطمئن شوید که هر عضو خانواده به خوبی از عهده‌ی کارهایی که به او محول شده بر می‌آید و گرنه حتماً باید آموزش ببیند، آموزش عملی و زیرنظر مستقیم والدین.

با گذشت زمان به تدریج باید به مسئولیت‌های فرزندان اضافه کرد و کارهای مهم‌تر و نسبتاً سنگین‌تری بر عهده‌شان گذاشت.

مطلب مهم دیگر، در ارتباط با کاربرد تفویض اختیار در خانواده، به خانواده‌های نسبتاً غنی مربوط می‌شود، این خانواده‌ها می‌توانند با خریدن ابزارهای لازم و استخدام کردن افراد مناسب، بسیاری از کارهای روزمره و وقت‌گیر خانه را از سر خود باز کرده، وقت قابل ملاحظه‌ای صرفه‌جویی کنند. برای مثال، به جای صرف وقت زیاد برای پاک کردن سبزی و بنشن و غیره می‌توان با صرف پول بیش‌تر، سبزی و بنشن پاک کرده از بازار خرید و مصرف کرد. به جای صرف وقت و زحمت زیاد، برای نظافت خانه و فرش و اتومبیل و غیره می‌توان از کارگران قابل اعتماد کمک گرفت. کارگران زحمتکش و ورزیده با گرفتن دستمزد، همه‌ی این کارها را در وقت کم‌تر و با کارآیی بیش‌تر از کدبانوی خانه انجام می‌دهند. بدیهی‌ست این کار در صورتی موجه و مقرون به صرفه است که درآمد شما از دستمزد کارگری که می‌گیرید بیش‌تر باشد، و گرنه اوست که باید شما را استخدام کند!



شما در چه کارهایی بیشترین توان و علاقه را دارید؟ وقت شما باید بیشتر صرف این نوع کارها بشود.

۲- نه گفتن پیش از آری گفتن: دربارهی تقاضاهای جورواجور دیگران کمی تأمل کنید. فوراً جواب ندهید. اگر کار مورد تقاضا، مطلوب شما و در راستای اهداف و خواسته‌های بحق شماست، پاسخ مثبت و قول مساعد بدهید. در این صورت شایسته است کار مورد تقاضا را در سررسید مورد توافق و با بهترین کیفیت ممکن تحویل بدهید، و با این کار بر اعتبار شخصی و حرفه‌ای خودتان نزد دیگران بیفزایید. اما اگر دیدید تقاضای عنوان شده به صلاحتان نیست و کمکی به تحقق اهداف شما نمی‌کند، با ظرافت و با لحنی ملایم اما قاطع «نه» بگویید. البته اگر می‌توانید مستقاضی را راهنمایی کنید که تقاضایش را با کسی دیگری مطرح کند. با تمرین کافی باید یاد بگیریم که چطور راحت و طبیعی ولی صریح و قاطع به تقاضاهای ناروا «نه» بگوییم تا وقت و نیروی کافی برای رسیدن به کارهای مهم‌ترمان را پیداکنیم.

آفت‌های زمان: هر چیز آفتی دارد. آفت‌های زمان عموماً به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- اوقات تلف شده که منجر به احساس گناه می‌شوند:

الف) صرف وقت برای کارهای غیر ضروری و کم‌اهمیت.

ب) کم آوردن وقت برای انجام کارهای مهم و ضروری.

۲- اوقات ضایع شده که به دلیل ندانم کاری و اشتباه‌های مدیریتی رخ می‌دهند.

از جمله این اشتباهات می‌توان به مورد زیر اشاره کرد:

الف) پرکاری بیهوده به جای کار هوشمندانه.

ب) عدم تفویض اختیار.

ج) خودداری از برنامه‌ریزی کار.

د) ناتوانی در تعیین درست اولویت‌ها.

راهزنان وقت

اگر از وقت خود مراقبت نکنید، مثل هر چیز گران‌بهای دیگر مورد دستبرد راهزنان وقت، قرار خواهد گرفت. این راهزنان بر دو گونه‌اند: راهزنان درونی و بیرونی. اینک به معرفی تنی چند از سرشناس‌ترین و نابکارترین طراران وقت خواهیم پرداخت:

۱- نداشتن برنامه و اولویت کاری: کسی که برنامه ندارد، نمی‌داند چه باید بکند، و کسی هم که برنامه دارد ولی از روی اولویت کار نمی‌کند،

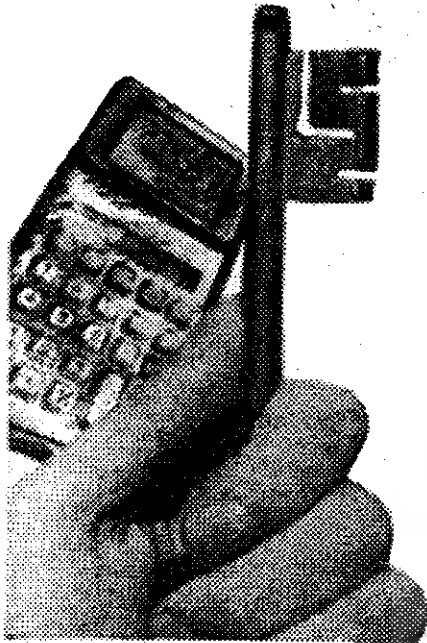
● گرفتن تصمیم‌های درست و خوش عاقبت، نشانه‌ی بارز شایستگی هر مدیری است.

وقت گران‌بهای خویش را در کارهای کم‌اهمیت که بازدهی و ارزش کمی دارند، تلف می‌کند.

۲- نداشتن قاطعیت در تصمیم‌گیری: گرفتن تصمیم‌های درست و خوش عاقبت، نشانه‌ی بارز شایستگی هر مدیری است. تصمیم گرفتن چیزی جز انتخاب عاقلانه بین دو یا چند گزینه، با محاسن و معایب متفاوت نیست. درجه‌ی موفقیت و خوشبختی هر یک از ما نیز در زندگی به حسن تدبیر و انتخاب‌های ما بستگی دارد. از طرف دیگر می‌دانیم که تصمیم‌های ما هیچ‌گاه هم سطح و برابر نیستند. بعضی تصمیم‌ها پیش پا افتاده و کم‌اهمیتند و برخی دیگر بسیار مهم و سرنوشت‌ساز. البته تصمیم‌های میانه هم وجود دارد. در مورد تصمیم مهم زندگی باید تأمل کرد، خوب جوانب را سنجید و با افراد دانا و صاحب‌نظر رایزنی و مشورت کرد. از جمله‌ی این تصمیم‌ها انتخاب رشته تحصیلی، انتخاب شریک زندگی و انتخاب شغل و حرفه‌ی مناسب و... است. اما در مورد تصمیم‌های ساده و پیش پا افتاده نباید وسواس به خرج داد و وقت زیادی برای آن‌ها تلف کرد.

۳- مکالمات تلفنی: چه قدر از وقت روزانه‌ی شما صرف تلفن کردن می‌شود؟ آیا به نظر خودتان این وقت زیاد است یا مناسب و به اندازه؟ اگر احتمالاً زیاد است، شما مقصود یا دیگران؟ چه کسی پرحرفی می‌کند؟ ارزیابی و قضاوت درباره‌ی این سوالات با شماست. کارشناسان مدیریت زمان می‌گویند: «مهم‌ترین نشانه‌ی اثبات وقت‌شناسی هر مدیری، کوتاه کردن صحبت‌های تلفنی است. در مکالمه‌های تلفنی باید زود به اصل موضوع پرداخت و از کش دادن مطلب و بحث‌های حاشیه‌ای و بی‌حاصل دوری جست.»

۴- تماشای تلویزیون: تلویزیون هم مثل تلفن و بسیاری دیگر از ابزارهای امروزی، هم می‌تواند بسیار سودمند باشد و هم بسیار زیانبخش. این بستگی به طرز استفاده‌ی شما دارد. آن‌هایی که تلویزیونشان را بی‌هدف روشن کرده ساعت‌ها پای آن می‌نشینند و مسحور جذابیت‌های این جام جهان‌نما می‌شوند، وقت و عمر خودشان را تلف می‌کنند.



فرهنگ صحیح تماشای تلویزیون این است که سر ساعت مقرر دستگاه را روشن کرده، به تماشای برنامه‌ی انتخابی (از پیش تعیین شده) بپردازیم و بعد از اتمام برنامه تلویزیون خود را خاموش کرده، دنبال کارهای مهم دیگرمان طبق برنامه‌ی تنظیم شده برویم.

۵- مطالعه‌ی بیهوده: آشنایی داریم که خودش می‌گوید، دست کم روزی دو سه ساعت به خواندن روزنامه‌های صبح و عصر می‌پردازد و بیشتر هم به خواندن بخش حوادث و مطالب تفریحی دیگر آن‌ها رغبت دارد. در عوض، این دوست عزیز برای انجام کارهای مهم خود وقت کم می‌آورد و مورد عقاب و سرزنش رؤسا و همکارانش واقع می‌شود.

فرهنگ صحیح مطالعه این است که انسان به خواندن مطالب سودمند و با ارزشی که به درد کار و زندگی او می‌خورد، اولویت بالایی بدهد.

در شماره‌ی بعد، درباره‌ی «مدیریت زمان» یعنی راه‌های درست برقرار کردن ارتباط مؤثر با دیگران و سود بردن از این گونه ارتباط‌ها سخن خواهیم گفت. □

دختر فروشی

● عبدالحسین شهبهانی - یکی از عیبهای بزرگ مملکت ما این است وقتی که مجازات به اشخاص بزرگ رسید مجازات داده نمیشود و واسطه زیاد میشود سایرین هم میخواهند تاسی بانها نمایند...

- حکم صادره را حکم عادلانه‌ای برشمرد که تا آن روز در هیچ محاکمه‌ی عرفیه‌ای در ایران، برای صدور آن تا این اندازه دقت و کوشش نشده است. وی سپس درخواست استیناف و تبرئه‌ی ذمه را از سوی سالار مفخم و دیگران مطرح کرد. نمایندگان که صدور حکم اعدام سالار مفخم را انتظار داشتند، از درخواست استیناف مجرمان به خروش آمدند:

آقا میرزا محمود - بحمدالله تقصیر سالار مفخم بر تمام مملکت روشن است و تمام ملت هم چشمشان باین عدلیه است آیا کسی که شصت و دو نفر اسیر بترکمان داده هنوز مقصر نیست باین دلایل و شواهد واضح.

تقی زاده نیز بر کل رویه‌ی وزارت عدلیه انتقاد می‌کند و سراسر آن را افتضاح می‌شمارد و بنا بر این کردن خودستایی فرمانفرما، مبنی بر صدور رأی تزیینانه و ژرفکاوانه، نسبت به وی و روند عدلیه در محاکمه‌ی مجرمان به تندوی و صراحت سخن می‌راند:

بنده بر سر تاپای این عمل اعتراض دارم و تمامش را باعث افتضاح می‌پندارم باین ترتیب که رسیدگی شد آصف‌الدوله با سالار مفخم در یک جا نشسته بودند و قوچانیها بیرون می‌رفتند که آنها استنطاق بشوند باین ترتیبات بموجب دوسیه‌های وزارت خارجه مثل آفتاب معلوم شد که ترکمان را سالار مفخم دعوت کرده و دوازده نفر مردم را کشته... در ایران هر کاری با پول درست میشود... در موقع محاکمه اجزا عدلیه از همه قسم آمده نشستند گوش میدادند که اکثریت آرا بانها بیفتد بعد از همه اینها وکلا جمع شده گفتند بموجب شرایع آسمانی قتل این شخص واجب است لااقل شئونات و مواجب او قطع و اسرا استرداد شوند ولی



نویسنده: هوشیار بهمن

حکومت هم از او گرفته شود. یک حسابی و سوارهای اسیر را بشوید نقد برساند و اسرا را استرید نماید هر چه را نتوانست نفری سینه نوزاد سینه اسیر بدهند که خودشان خریداری کنند حالا هر طوری رأی نگذارد و قتل کنند نمره ۳ سردار انخم که حاکم وقت بوده و با بستن وقت اقدامات خود را بنماید باید یک درجه نظامی از شئون او کاسته شود و پنج هزار تومانی نقد بدهد و بگردد مستخدم نباشد (سیم) امیر حسین خان باید در سال داخل کار دولت نشود و هزار تومان نقد بدهد (چهارم) آصف‌الدوله بواسطه‌ی تلگرافاتی که از یمین‌الدوله در دست دارد و اظهارات خود را ببیاد عالیه نموده تبرئه میجوید ولی عدلیه قناعت نمی‌کند باید دو هزار تومان بدهد (نمره ۵) مفاخر الملک و اکرم الملک چون حاضر نشده‌اند موکول برای دولت است کمیسیون باقتضای حالیه مملکت همین را مقتضی میدانند و این حکم از محکمه ابتدائی عدلیه شده است.

بدین ترتیب، سالار مفخم با شرط استرداد اسرا و در صورت ناکامی با پرداخت سی صد تومان به صاحب هر اسیر و پرداخت نقد جیره‌ی سواران خود به دولت و غلامراضا خان آصف‌الدوله‌ی ایپانلو، با پرداخت تنها دو هزار تومان از پادافره‌ی بسزای خود جاستند.
پس از اعلام حکم، شازده فرمانفرما - وزیر عدلیه

رأی کمیسیون عدلیه سرانجام در تاریخ پنج‌شنبه ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵. رأی کمیسیون عدلیه درباره‌ی اسرای باشکانلو (نه فروش دختران قوچانی) که در تاریخ ۲۰ جمادی‌الاول صادر شده بود، اعلام شد:
رأی کمیسیون عدلیه در خصوص اسرای باشکانلو بعد از استنطاق زیاد و آراء وکلا و کمیسیون بر این شد که (اول) مقصر سالار مفخم است (دوم) سردار انخم است (سیم) امیرحسین خان پسر آصف‌الدوله است. (چهارم) بسواسطه ملاحظه شخص آصف‌الدوله است. (پنجم) اکرم الملک و مفاخرالملک که هنوز حاضر نشده‌اند. عقاید کمیسیون در مجازات این اشخاص از این قرار است که از سالار مفخم شئونات

● آقا سید حسین - در خصوص آصف‌الدوله هم هیچ اقدامی نشد گویا پای او بکلی خارج شد و حال آنکه اول باید او محاکمه شود.

واقعیت مسکوت یا افسانه‌ی مجعول

بعد از آنکه من رأی بقتل دادم گفتند نمیشود که تمام اجزاء عدلیه لرزیدند و گفتند سردارها اینجا هستند بالاخره بعد از گفتگو قرار شد پنج سال حبس و مواجب او مقطوع و شوناته او سلب شود... تمام کارهای وزارت عدلیه شما خراب است هیچ تحقیق و رسیدگی نیست.

وزیر عدلیه - آیا من چیزی گرفته‌ام [؟]
سید حسن تقی‌زاده - ثابت نشده گرفته‌اید یا نگرفته‌اید.

وزیر عدلیه - فرضی دارم [؟]
تقی زاده - آنهم معلوم نیست.
آقا سید محمد جعفر - باید بر حسب شرع حکمش معین و معلوم شود.

وزیر عدلیه - شش نفر از علما و وکلا و شش نفر از عدلیه معین نمایند تا حکم آنرا معین کنند.

آقا میرزا محمود خوانساری - هر وقت در محضر علما دو نفر شهادت دادند حکم ثابت است بنده عرض میکنم چند نفر که از آن صفحات بودند تمام گفتند آیا باز هم محتاج استیناف است.

تقی‌زاده - ... این شخص بحکم شرع مفسد فی الارض است با آن قتل‌هاییکه کرده است باید بدار زده شود اگر باز هم مسامحه شود ایران از سابق بدتر خواهد شد.^۳

پس از اعلام حکم مجازات که با مراعات کامل شئون سالار مفتح و آصف‌الدوله صادر شده بود، گفت‌وگوهای نمایندگان مجلس، سراسر به سالار مفتح و جنایاتش و مفسد فی الارض بودن او باز می‌گردد و سخنی از آصف‌الدوله نیست اما گناه نماینده‌ای به جرم و جنایات او نگاهی می‌افکند:

حاج امام جمعه - هرگاه یک نفر مسلم را بفرزند یقین قلب حضرت ص را شکستند و در حق هر کس ثابت شود مجازات او فوری است اگر شاهزاده از روز اول بقانون شرع و محکمه شریعه این مطلب را رسیدگی میکرد دیگر ثانیاً محتاج به مداخله مجلس نبود.

حسام الاسلام - استیناف را هیچ کس رای نمیدهد زیرا که میترسم ورق برگردد آنوقت

ادعای شرف هم بکنند.^۲
سرانجام این گفت‌وگوهای تند و حاکی از ناخشنودی زرف نمایندگان نسبت به رأی وزارت عدلیه درباره‌ی مجرمین بدین جا رسید که شازده فرمانفرما اعلام کرد:
در صورتیکه من نتوانستم حکم علما را اجرا کنم استعفا میدهم.

در روز شنبه ۲۳ جمادی الثانی ۱۳۲۵، در زمانی که قرار بود حکم صادره با حضور وزیر عدلیه، علما و نمایندگان برگزیده بررسی شود، تلگرافی از ارومیه رسید که از تجاوز عساکر یا عشایر سرحدی عثمانی به مرزهای ایران و درگیری آنان با شماری از سربازان سرحد ساوجبلاغ و عشایر ایران حکایت می‌کرد. در این هنگام، تلگراف دیگری در مجلس خوانده شد، که در انحراف افکار نمایندگان از موضوع رأی ناعادلانه‌ی محکمه‌ی عدلیه - درباره‌ی مجرمین - تأثیر بسزایی داشت. بنابراین تلگراف شازده فرمانفرما، از سوی وزارت عدلیه به حکومت آذربایجان و سرکوب تجاوز عثمانی منصوب شده بود: بسندگان اقدس اصلی، حضرت والا [فرمانفرما] را بایالت مستقله و سرحداری آذربایجان مأمور و مقرر فرموده‌اند در روزه حرکت نمایند.

[پس از خواننده شدن تلگراف] شاهزاده فرمانفرما با یک حالت رقت‌انگیزی اظهار داشتند والله باید با جان و مال حاضر شویم که خاک ما از دست نرود.

پس خواننده شدن این تلگراف که سنا بر آن شازده فرمانفرما به حکومت آذربایجان و سرکوب تجاوز عثمانی منصوب شده بود، وکیل‌التجار اختلاف میان دولت و ملت ایران را - که معمولاً درباره‌ی موضوعات نه چندان مهمی چون آزادی خواهی، مشروطه‌طلبی، اعتراض به جور حاکمان در گرفتن مالیات که به دختر فروشی منتهی می‌شد و... بود - همان حکایت جنگ برادر یا برادر یا پدر با فرزند خواند که بی‌گمان تنها ابلهان این جنگ و این رودرویی را باور می‌کنند.

وی همچنین هیجانزده افزود: باید یقین بدانند که تا در ایران یک نفر ایرانی نژاد باقی است هرگز غیرت ایرانیت او قبول نخواهد

کرد که کسی تعدی به یک وجب خاک پاک ایران نماید و... تا یک قطره خون در بدن ایرانیان مطلقاً باقی است کسی را نمی‌گذارند تخطی در حدوده نماید...
فرمانفرما وزیر عدلیه نیز گفت: ... زنده باد خون ایرانیان.^۵

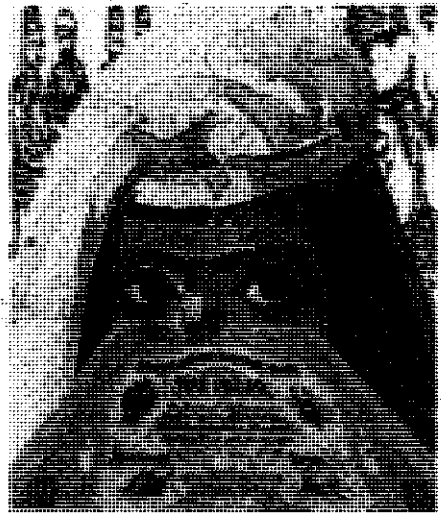
در این هنگام دوباره همچون زسانی که خبیر فروش دختران و اسارت زنان باشکانلو رسید، مجلس به هیجان و احساس، لگام سپرد و با شمارهای پرشور به بدرقه از موضوعی تازه رفت و اختلاف با وزیر عدلیه را درباره‌ی موضوع ناتمام دختران قوچان و زنان باشکانلو به فراموشی سپارد.

آقای میرزا محمود خوانساری - گویا اینها نمیدانند ایران همان ایرانی است که یکی از آحاد این ملت شاه اسمعیل بود که تاریخ شرح حالات او معلوم است و یکی نادر بود باید بدانند که تا یک نفر از ایران باقیست نمی‌گذارند که کسی بتعدی یا بخاک ایران بگذارد.

آقا سید حسین - تا یک قطره از خون ملت باقی است نخواهد گذاشت کسی تخطی نماید...

وزیر عدلیه - این ملت باید بدانند و بسایرین بفهمانند که اگر کسی طمع داشته باشد پایران بداند که اگر چیزی بدست خواهد افتاد خاک صحرائی غیر میزروع خواهد بود جنبنده از اهالی این مملکت به تبعیت آنان تن در نخواهند داد و تا چنان دارند نخواهند گذاشت.^۶

شگفتی برانگیز است که برای سرکوبی و بیرون راندن عثمانیان از آذربایجان، فرمانفرما، وزیر عدلیه، به سرداری مأمور شد و ناگه وزیر عدلیه‌ای که نمایندگان مجلس بی‌عدالتش خواندند و متهمش کردند که در محاکمه‌ی سالار مفتح یک مشت شربت‌دار و قهوه‌چی را جمع کرده تا اکثریت آرا را به دست آورد، از سوی امام جمعه حاکم ما خطاب شد و متقابلاً فرمانفرما نیز رییس مجلس را رییس ملت نامید و این بار شور و هیجان قضای مجلس نه به نفرین و لعنت‌گویی بر آصف‌الدوله و سالار مفتح که به سپاس و ستایش و پوزش خواهی همگانی نمایندگان



● آقا میرزای مجاهد درباره‌ی وزیر داخله بودن آصف‌الدوله می‌گوید: بر نیاید ز گرگ چوپانی.

مجلس از فرمانفرما و بالعکس معطوف بود. مجلسیان د اظهار نهایت تشکر از حسن نیت او نمودند و خدمات او را نسبت باداره کردن وزارت جلیله عدلیه ستودند و از این که بعضی از وکلادو روز قبل به ایشان توهین کرده‌اند در روزنامه مجلس هم نوشته شده بود از طرف مجلس امر شد که معذرت خواسته شده ما نیز بعموم اخطار مینمائیم که شاهزاده فرمانفرما از این نسبتها بکلی مبراست و اینکه گفته‌اند اشخاص متفرقه را در عدلیه عضویت داده است اشتباه صرفست و اعضای عدلیه همان اشخاص محترم هستند که سابق دو وزارت عدلیه عضویت داشته‌اند... از محضر حضرت والا [فرمانفرما] و اعضای عدلیه معذرت میخواهیم و مرقومات آن شماره را تردید داریم... این عدلیه ما فعلاً میتواند بنا عدالتخانه‌های ممالک متمدنه دم هم سری‌زند و... میتوان گفت که اقدامات حضرت والا فرمانفرما دامت شوکته باین قلیل مدت خارق‌عادت امور و کمال تعجب است و بر تمام افراد مملکت امتنان از اقدامات بی‌غرضانه و زحمات حضرت معظم‌الیه که تمام از روی بی‌غرضی و مملکت خواهی و انتظام جوتی ایشان بوده است...^۷

این‌گونه واکنش‌های آنی، احساسی و بی‌اندیشه‌ی نمایندگان در برابر موضوعات چندانی بی‌سابقه نبود، درگذشته دیدیم که خروش عمومی نمایندگان مجلس، در برابر فروش دختران قوچان به فراموشی آنان و در برابر به اسیری بردن زنان

باشکاللو و رأی عدالت ستیزانه و محتاطانه‌ای که برای مجازات سالار مفخم و... صادر شد، به فریاد برآوردن همگانی نمایندگان در نکوهش و سرزنش وزیر عدلیه و رویه‌ی وی در اداره‌ی محکمه و صدور حکم انجامید و سرانجام همه‌ی این جنجال‌های بدون نتیجه رها شده به احساساتی شدن نمایندگان به دلیل حمله‌ی عثمانی‌ها و پوزش‌خواهی همگانی از وزیر عدلیه مبدل شد و وزارتخانه‌ی عدلیه که کارهایش سراسر افتضاح و مروجی بی‌قانونی و بی‌عدالتی بود، شالوده‌ی آن براساس محکم و قانونی منظم شد و با عدالتخانه‌های ممالک متمدنه دم همسری و برابری زد.

افزون بر این، مجلس برای جلب یاری و همراهی مشروطه خواهان سرسخت تبریز نسبت به فرمانفرما تلگرافی به انجمن تبریز فرستاد:

از وصول اخبار موحشه که از مرحدات میرسد تجاوزات غیر مشروع عشار و عساکر سرحدی عثمانی را اعلان میدهد تمام ملت متأثر و مهیای همه قسم جان بازی هستند و البته خاطر آقایان مستحضر است که ملت ایران در این گونه مواقع همه وقت داد غیرت داده‌اند و از جان و مال و ناموس خود در حفظ دین و وطن خود مضایقه نکرده‌اند دولت علیه هم با تمام قوت و قدرت برای جلوگیری از این حوادث حاضر است و اولین اقدام دولت این است که حضرت اشرف والا شاهزاده فرمانفرما را که از کفات رجال و سرداران محترم و شاهزادگان معظم است و سابقه اطلاعات از احوالات آن حدوده دارد با تصویب مجلس شورای ملی و تصدیق آقایان حجج اسلام بحکومت و فرمانفرمائی آذربایجان و ریاست و فرماندهی کل قشون آن حدود منتخب فرموده‌اند و شاهزاده فرمانفرما حکومت آذربایجان را بمشروطگی قبول نمودند و فوق آنچه شماها انتظار دارید بمجلس مساعدت خواهد کرد و البته بر عهده تمام انجمنها است که با خیالات عالیه او مساعدت نمایند.^۸

چند روز بعد، در روز سوم رجب ۱۳۲۵، تلگرافی از شیروان از سوی ریش سفیدان و کدخدایان آن شهر به مجلس رسید:

در خصوص استرداد اسرا و مقتولین باشکاللو عرض شده احقاق حق نشده اگر رعیت هستیم چرا بعرض مان رسیدگی نمیشود اگر نیستیم اجازه بدهید بخاک رومیه برویم. تمام در تلگرافخانه مستحضر منتظر تعیین تکلیف هستیم امروز اینجا فرود در روز قیامت مسئول خدا و رسول خواهند بود.^۹

در هنگامی که تلگراف شیروانیان خوانده شد، گویی جرقه‌ای که از وجدان یکی از نمایندگان جهید، آصف‌الدوله‌ی در سیاهی سایه پنهانیده را، دوباره

● آقا سید حسین - عمل آصف‌الدوله و سایرین ربطی باین مطلب ندارد و هنوز آصف‌الدوله استنطاق نشده فروش اسرا غیر از قتل و غارت است او را نباید داخل اینها کرد.

نمودار کرد:
آقا سید حسین - در خصوص آصف‌الدوله هم هیچ اقدامی نشد گویا پای او بکلی خارج شد و حال آنکه اول باید او محاکمه شود.

شهشهایی نیز در ادامه‌ی سخن آقا سید حسین، به نکته‌ی بسیار قابل توجهی اشاره می‌کند:
... این عرایض که از شیروان رسیده طرف در این مطالب آصف‌الدوله بود و آن مسئله که در سابق در عدلیه گفتگو شد طرف آن سالار مفخم بود و در ضمن هم از آصف‌الدوله گفتگو بود گویا آصف‌الدوله هم برای محاکمه حاضر نیست پس چه باید کرد. از گفته‌های شهشهایی، بار دیگر می‌توان دریافت که در محاکمه‌ی عدلیه اصلاً جرم و جنایتی که آصف‌الدوله بدان متهم بود، مورد بررسی قرار نگرفته و اصلاً قرار نبوده، آصف‌الدوله محاکمه شود و به گفته‌ی آقا سید حسین، پای او از محاکمه و ماجرا به کلی خارج شده است.

در روزهای بعد نیز همچنان از اسیری زنان و فروش دختران و مجازات آصف‌الدوله و سالار مفخم و اعتراض به رویه‌ی محاکمه‌ی آنان در مجلس سخن می‌رفت:

آقا سید حسین - تمام اعتراضات برای این بود که این شخص قاتل بوده پس در باب سالارالدوله و سالار مفخم و آصف‌الدوله چرا سیاست نیست [۱۴] تا این که در سه‌شنبه ۱۷ رجب ۱۳۲۵، تلگراف دیگری از چاپارخانه‌ی خراسان و عشق آباد رسید:

- اطلاعات یکی از مأمورین خط
- چاپارخانه خراسان و عشق آباد
- در خصوص اسرای قوچان

... این بنده از اهل طهران هستم سه سال است آدمم خراسان از اداره گمرک مأموریت گمرکخانه سرحدیوت دوازده ماه با این جانب بود خود حقیر در طایفه شیخی خان و صاطلیخان که سرکرده‌ی الامانی هستند رفته و تمام اسراء آنچه باقی بوده بنده به چشم خود دیدم از شرح و بیان آن اسرای بیچاره قلم یاری نوشتن ندارد همین قدر مختصر عرض می‌کنم این زنها هر کدام را تا بحال ده دفعه خرید و فروش کرده‌اند پیاپی هر کدام

یک زنجیر زده‌اند صبح الی شام در این آنتاب
گرم لخت و برهنه مشغول بوته کشیدن یا
عقب گوسفند چرانیدن هستند... ۱۱

در ادامه، نویسنده‌ی این تلگراف، از نامه‌ی
سالار مفخم سخن می‌گوید که شیخی خان و
صاطلی خان - سران طایفه‌ی ترکمن - به وی نشان
داده بودند. در این نامه که به خط و مهر سالار مفخم
و خطاب سران ترکمن بود، همان داستان همیشگی
تحریک ترکمانان برای حمله به سرحدات ایران، این
بار با خط و مهر و فرمان خود سالار مفخم تکرار شده
بود. بی‌نتیجه ماندن تلگراف‌ها و عریضه‌های رسیده
به مجلس که تنها بی‌آیندش گفت و گوی دراز مدت و
بی‌حاصل نمایندگان بود، خود آنان را نیز نسبت به
توان و نفوذشان دچار تردید، ناامیدی و کلافگی کرده
بود:

آقا سید محمد جعفر - یکی مسئله اسراء
توچان و سالار مفخم است که تاکنون چقدر
مذاکره شده است و هیچ نتیجه گرفته
نشده. ۱۲

احسن الدوله - از روزی که ما آمده‌ایم
هر روز می‌بینم از هر طرفی یک واقعه اتفاق
می‌افتد همه را ما هیچ می‌پنداریم قتل میشود
هیچ زن اسیر می‌شود هیچ ما خوردمان هم
دست بدست وزرا داده مسامحه می‌کنیم
میگویند بفرمائید بالا بهمین راضی می‌شویم
سکوت می‌کنیم آخر انصاف بدهید هیچ کاری
برای ملت صورت داده‌اید. ۱۳

□□□

در روز شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵، اتابک دشمن دیرین
مشروطه که به گفته‌ی کسروی برای برانداختن
مشروطه و او را از اروپا خواسته بودند، به مجلس آمد
تا بار دیگر با دروغ، کار خود را پیش برد و چون زود
باوری و فریب خواری ایرانیان را آزموده بود به
پیشرفت نقشه‌ی خود دلگرمی داشت. ۱۴ او در این
جلسه با عوض کردن وزیر جنگ و برگزیدن وزیر
عدلیه و نطقی فریبنده، در میان اغتشاش‌ها و
ناخشنودی‌های اوج گرفته‌ی مردم، برای جلب نظر
نمایندگان مردم می‌کوشید.

در این جلسه آقا سید محمد تقی عریضه‌ی
هیئت وزرا - که به خاکپای همایونی عرض کرده بودند
- را قرائت کرد:

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس هما یونت
شومیم خانه‌زاده‌ان بموجب تمهدیکه در
خاکپای مبارکت کرده‌ایم و کلام خدا را
بشهادت گرفته‌ایم ناگزیریم در هر موقع آنچه
را صلاح دولت خواهی نسبت بذات اقدس
ملوکانه میدانیم در مصلحت ملک و دولت و
ملت که عین مصلحت پادشاه است می‌بینیم
بعرض رسانیم پریشانی خلق آشتگی عموم
اختلال اوضاع مملکت از این بیشتر نشود
مردم تسویه امور را از مجلس میخواهند
مجلس موافق حقی که در قوانین اساسی به او

● تقی زاده - این شخص بحکم شرع مفسد فی الارض است با آن قتلهائیکه کرده است باید بدار زده شود اگر باز هم مسامحه شود ایران از سابق بدتر خواهد شد.

داده شده است بوزرای مسئول رجوع میکند
و جداً اجرای قوانین را میخواهد... مبرهن
است که تا صدور احکام بر رفتن قوانین
اساسی مقرر نگردد شکایت مجلس توحش
مردم اختلال امور رفع نخواهد شد... ۱۵

نمایندگان مجلس نیز در برابر این سخنان که
سراپا فریب و بیشرمانه می‌بود... به جای آن که پاسخ
داده بگویند دیگر به شما پشتگرمی نداریم، بیخردانه
خشنودی نمودند و سپس گزاره‌اند... ۱۶

اما اتابک بیش از این برای فریبکاری و
نیرنگ‌ورزی و منحرف کردن فراروی مشروطه و
عملکرد مجلس مهلت نیافت و پس از بیرون آمدن از
مجلس به دست عباس آقا صراف تبریزی کشته شد.

در روز دوشنبه هفتم شعبان ۱۳۲۵، کابینه‌ی
جدید نیز به رییس‌الوزرای مشیرالسلطنه از مجلس
رای اعتماد گرفت. روز بعد یعنی هشتم شعبان
۱۳۲۵، آقای سید عبدالله مجتهد، درباره‌ی سالار
مفخم که زمانی نمایندگان به دلیل استیفاء
خواستگی وی، بر وزیر عدلیه شوریدند، چنین گفت:

در باب سالار مفخم هم چون میگوید اسباب
اشتباه شده خوب است آن باب هم رسیدگی
شود بمن نوشته است که من میروم اسرا را
برمیگردانم در اینصورت ماندن او فائده
ندارد.

بعضی گفتند که سالار مفخم مقصر است باید
مجازات شود.

آقا سید عبدالله مجتهد - او تا نرود نمیتواند
اسرا را استرداد نماید ضامن گرفته شود برای
این کار بعد از این بتقصیراتش هم رسیدگی
خواهد شد. ۱۷

این گفت و گوها برای گریزانیدن سالار مفخم از
مجازات و حبس که با پادرمیانی آقا سید عبدالله
آغاز شده بود، بارها تکرار شد تا روز شنبه ۱۲ شعبان
که رییس مجلس، از نامه‌ی سخن گفت که سالار
مفخم به او نگاشته بود:

رئیس - این کاغذ را رحیم خان نوشته یکی را
هم سالار مفخم نوشته و من مایل نیستم که
در کار آنها دخالت کرده باشم حال رأی رأی
مجلس است اگر باید در مجلس قرائت و
تحقیق شود بشود.

آقا سید حسین - سالار مفخم مدتی استنطاق
شد در عدلیه و مجازات او روی کاغذ آمد

خود فرمانفرما بمجلس آمد و رای کمیسیون
مجلس را خواست برای کمیسیون باندازه
مجازات که او معین کرده بود موافق نیامد
مجلس چون مجازات او را کم دانست این
بود که خواست تحقیق و رسیدگی شود.

رئیس - چون من در سابق نبودم و
مسبوق نیستم این است که هر کاغذی بمن
میرسد باید خوانده شود تا بدانم.

دیر رسائل - اگر او ضامن میدهد که
برود اسرا را برگرداند ماندن او فائده
ندارد.

صدر نظری - بنا بود که او مجازات شود
اگر مجازات میشد اسباب عبرت دیگران
گردیده و این اتفاقات واقع نمیشد حال هم
اگر او مجازات نشود اسباب تجری سایرین
خواهد شد.

آقا میرزا محمود خوانساری - قریب ده
ماه بود که در اینجا داد و بیداد شد که اسرای
ما برگردند ما با کسی فرض شخصی نداریم و
نمیخواهیم قبل از استنطاق کسی بمجازات
برسد... حالا که این طور است اگر میخواهد
اسرا را استرداد کند برادران و اقوام و کسان
دارد آنها اسرا را برگردانند آن وقت امید است
ملت از تقصیر او بگذرد و مستخلص شود اما
اگر بخواید برود گمان نمیکنم ملت و مجلس
چنین اجازه‌ای را بدهد.

حاج سید عبدالحسین شهبهانی - یکی از
عیبهای بزرگ مملکت ما این است وقتی که
مجازات به اشخاص بزرگ رسید مجازات
داده نمیشود و واسطه زیاد میشود سایرین
هم میخواهند تاسی بانها نمایند این چند نفر
که پسر آصف الدوله و خود آصف الدوله و
سردار افخم و سالار مفخم که کارشان راجع
بعدلیه شد چون آنها محترم بودند ملاحظه
کردند در این مدت بعد از زحمات زیاد
خواستند استیفاء کنند... در این داد و بیداد
خط بحث اسباب نجات او شد.

... حاج امام جمعه - شش ماه است که از
ولایت آمده‌ام و این صحبت را شنیده‌ام مردم
ما را تربیت شده میدانند بیست دفعه مذاکره
شد جمعی شهادت علمی دادند که این
شخص شصت نفر زن فروخته حالا توسط
میکنند آیا میخواهید ما آدم بشویم چون این
مرد استیفاء خواسته بود اینجا مذاکره شد و
ترتیب آن مجلس را دادند و گفتند این مرد
باعث قتل دوازده نفر شده و کسیکه باعث
قتل شود باید دائماً حبس باشد آیا حالا
میخواهید این زنهای که اسیر شده‌اند بما
سرزنش کنند که در این مدت با این همه فریاد
و فغان چه کردید؟

... حاجی میرزا علی آقا - اشخاصیکه
محاربتند سالار مفخم و آصف الدوله و



ایران برای اقدامات مردانه و اهمات مجدانه‌ی امرای عظام و رجال با فز و احتشام دولت علیه‌ی ایران و... به عرض آنان رسانید و بار دیگر به مناسبت ورود آنان به مجلس مقدس ملی - که پیش از این انزجار خالصانه‌اش را نثار سرداران می‌کرد - تبریکات خالصانه و ادعیه‌ی صمیمانه‌ی نمایندگان را به سرداران تقدیم کرد.

پس از آن نیز آقای حاجی امام جمعه، درباره‌ی غیرت ایرانیان و حمیت و تعصب دینی و ملی و وطن عزیز و مملکت چند هزار ساله و ناموس و... سخنانی آتشین ایراد کردند که بار دیگر نمایندگان مجلس و سرداران را به رقت فروفکنده، صداها به گریه بلند شد و سپهدار که رگ غیرتش از سخنان امام جمعه به جوش بود گفت: تا قطره‌ای خون در بدن داریم نیگذازیم کسی یکجوب از خاک ما را بیره با جان و مال و هستی در راه ملت حاضریم و سائر بزرگان نیز همین اظهار را کردند.

عریضه‌ای که در ۲۷ شعبان ۱۳۲۵، از سوی صاحبان اسرای قوچان در مجلس خوانده شد، زنان اسیر را دوباره به یاد نمایندگان انداخت و آغازگر گفت‌وگوهای مفصلی در این باره شد:

رئیس - این عریضه صاحبان اسرای قوچان است و در این بساط یک جواب صریح میخواهند.

بشرف عرض انجمن مرکزی میرساند مدت دو سال است که دها گویان کدخدای علی و یوسف صاحبان اسرای قوچان بجهت شصت و دو نفر اسیر و اموال منتهبه معطل ماندیم و ثابت نمودیم چندی در صدد برآمدند و حالا گویا فراموش شد و حالا بعضی در صدد استخلاص سالار مفخم برآمده‌اند که حقوق ما ضایع شود هرگاه چنین باشد ما یوسم شده ناچاریم ببلاد خارجه روآریم. چون تشکیل انجمنها برای

در پایان نامه امضای بیست و دو نفر از جمله غلامرضا خان آصف الدوله و سالار مفخم نیز بود. نامه‌ی سرداران به مجلس بوی مصالحه می‌داد و دستی بود از سوی سرداران که به آشتی به سوی مجلس دراز شده بود. هراس آنان از قتل اتابک نیز در نگاشتن این نامه بی‌تأثیر نبود.

در این جلسه، عریضه‌ی سرداران به شاه و پاسخ محمدعلی‌شاه به عریضه‌ی سرداران نیز قرائت شد. پس از آن مستشار الدوله گفت که سرداران رسول محترمی فرستاده و برای حضور یافتن در مجلس اجازه خواسته‌اند:

آقا میرزا محمود خوانساری - عقیده بنده این است که همین حالا بیایند و این اوراق هم چاپ شده بهمه جا منتشر شود.

تقی‌زاده - هر مطلبی را در موقع خودش باید گفت در این عریضه که بحضور همایونی عرض کرده‌اند استدعای تأسیس مجلس کرده‌اند که در آن مجلس رفع اختلافات مملکتی را بکنند این ترتیب خیلی خوب است ولی این قسم مجلس از وظیفه آنها خارج است امرا و سرداران باید بنشینند و در امورات حسگری مشورت کنند اما ترتیب قوانین حق مجلس شورای ملی است بانها ربطی ندارد.

گویا به جز تقی‌زاده، سایر نمایندگان به حضور یافتن سرداران در مجلس بسیار راغب بودند و نیت حضور آنان را میمون و مبارک می‌شمردند:

آقا میرزا ابوالحسن خان - این فرمایش آقای تقی زاده خیلی صحیح است ولی آنها را هم باید از این اقدام تبریک گفت همین حالا هم بیایند خیلی خوب است. حاجی امین الضرب - عقیده بنده هم این است که همین الان بیایند.

حاجی امام جمعه - گمانم این است که این مشه اسباب مسرت عموم ملت گردید در شرح مقرر است که خیرالخیبر ماکان عاجله بهتر این است که رای بدهید همین الان بیایند. (در این موقع هیئت امراء و سرکردگان و رجال که بالغ بر پانصد نفر بودند بایک بشاشت و انبساط فوق‌العاده ورود به مجلس مقدس نموده عموم رکلاهی عظام هیئت محترم را ازین همت فیورانه تهنیت گفتند حضرت حجة‌الاسلام آقای آقا سید عبدالله مجتهد با بیان فرائی ورود آنها را تبریک فرمودند)

بدین ترتیب، نمایندگان مجلس، مقدم سردارانی را که در گفت‌وگوهای دراز آهنگ‌شان، آماج سخنان تند و انزجار همگانی خود ساخته بودند، در مجلس به گرمی پذیرا شدند.

بعد هم محمدتقی هراتی از سوی نمایندگان لایحه‌ای را در تبریک و تهنیت به سرداران و تشکر و امتنان از اعضای مجلس مقدس ملی و عموم مردم

● حسنعلی خان - کار این مملکت بافتضاح رسیده پنج ماه از دست یک نفر فریاد می‌کنند تا اینکه او را عزل میکنند بعد او را وزیر می‌کنند شش ماه از دست یکی دیگر داد میکنند تا زنجیر به گردن او میگذارند بعد بخواش یکی دیگر میخواهند مرخص کنند...

پسرش هستند حکم محارب را خداوند در کتاب‌الله معین کرده.

آقا سید عبدالله مجتهد - نوشته است من اسرا را میروم میخرم و بعد هم اگر مجازاتی هست بشود.

... حاج امام جمعه - هر مطلبی در اولش تعجب و تحیر دارد همین که مدتی شنیده شد آنوقت تأسف و تعجب از میان می‌رود مثل همین مسئله اسرا روز اول که من شنیدم خیلی حیرت داشتم ولی حالا گویا استعجاب آن از میان رفته در باب مجازات سالار مفخم همین طور که گفتند مجازات او باشد بعد از استرداد اسرا حالا یک ماهه از او التزام بگیرند که اسرا را مسترد نماید و خودش هم حبس باشد.

... رئیس - پس قرار شد اینکه تا آخر ماه رمضان اسرا را استرداد کند و خودش محبوس باشد تا اسرا استرداد شوند.^{۱۸}

گفت‌وگوهای بی‌پایان و بی‌نتیجه‌ی نمایندگان بدین گونه همچنان ادامه داشت تا آن که در نوزدهم شعبان ۱۳۲۵، انجمن سردارها، به همراه نامه‌ای به نمایندگان، سواد عریضه‌ای را که اعضای این انجمن برای محمدعلی‌شاه نگاشته بودند، به مجلس فرستادند:

از آنجا که در پیشرفت اسامس مقدس مشروطیت خدمات لایقه طبقات نوکر را مدخلیت زیاد است و تشویق آنها مایه دلگرمی است از اینرو عرض می‌داریم که تا آخرین قدم همراهی خود را با این اسامس مقدس اظهار داریم و اینک شاهد صدق دعوی خود را از مفاد عریضه که بحضور اقدس اعلی عرض کرده‌ایم ظاهر می‌داریم و از لحاظ مبارک امان محترم ملت میگذاریم و خدا را گواه می‌خواهیم که مقاصد باطنی ما همین است که عرضه داشته‌ایم و حصول اطمینان برادران خود را در این راه خواهیم که از هر جهت مالا و جانا در پیشرفت این اسامس مقدس کوتاهی نکنیم.^{۱۹}

احقاق حقوق مظلومین است آن‌ها را بحق
خدا قسم میدهم که راضی بشوند مشارالیه
رها بشود و بمجازات نرسد که استرداد
حقوق و اسرا نخواهد شد.^{۲۰}

پس از خواندن این عریضه باز هم همان
گفت‌وگوهای کشدار و تکراری میان نمایندگان
مجلس درگرفت و همچون گذشته از اجرا شدن حکم
نخستین وزارت عدلیه، درباره‌ی مجرمین گرفته تا
فزونی و کاستی آن و پذیرفتن استیناف سالار مفخم
یا نپذیرفتن آن و رها کردن وی برای استرداد اسرا یا
پسول مستاندن از وی برای این کار و... کشمکش و
مشاجره بالا گرفت.

اسا در این بحث، یکی از نمایندگان برای
چندمین بار - که به صراحت این موضوع گفته شده
بود - بر این واقعیت تأکید کرد که جلسه‌ی محاکمه‌ای
که با حضور وزیر عدلیه و مجرمین و شاکیان تشکیل
شده، تنهابه جزم و بزه سالار مفخم پرداخت، و
درباره‌ی آصف‌الدوله سکوت شد. به عبارت دیگر آن
جلسه‌ی محاکمه را مربوط به اسیر کردن زنان
باشکائلو دانست نه دخترفرشی در قوچان.

آقا سید حسین - عمل آصف‌الدوله و سایرین
زبطی باین مطلب ندارد و هنوز آصف‌الدوله
استنطاق نشده فروش اسرا غیر از قتل و
غارت است او را نباید داخل اینها کرد فقط
در این حکم مجلس ایراد کرد که کم است
بجهت آن دوازده نفر که کشته شده‌اند و
همچنین هفتاد هزار تومان اموال جبران شود
و تا حال مسامحه شده.

... آقا سید محمد جعفر - اگر میخواهد
کاری بکنید اینقدر تعویق نیندازید سلب
شئونات او محل کلام نیست بجهت اینکه برای
این همه کاری که کرده است باید از شئونات
سلب [شود] اگر آن قتل و سایر مطالبی که باو
اسناد داده شده ثابت شود مجازات او بیش از
این‌ها میشود حالا باید فکری در باب استرداد
اسرا کرد.

... حاج سید نصرالله - استیناف باید بشود یا
غیر (جمعی گفتند لازم نیست)
آقا سید محمد جعفر - اگر مجازات قبول
باشد باید استیناف شود.

حاج سید عبدالحسین شهبهانی - ابدأ
سالار مفخم حق استیناف ندارد وانگهی
استیناف محل باسترداد اسرا نیست.

حاجی سید باقر - برای کسی که خودش اقرار
بتقصیر خود کرده چه استیناف شود.

... آقا میرزا فضلعلی آقا - خداوند میفرماید
ولکم فی القصاص حیات، مجازات و قصاص
باعث راحتی و آسایش است اول مجازات
سالار، استرداد اسرا است اگر سالار قبول
سینماید و اطمینان میدهد برود اسرا را
استرداد کند...^{۲۱}

باز هم برای پرداخت دیه به ورثه‌ی دوازده

● در کابینه‌ی بعدی به رییس‌الوزرای ناصرالملک، غلامرضاخان آصف‌الدوله، حاکم معزول خراسان که موجب سقوط کابینه‌ی وزیر افخم نیز شده بود، به وزارت داخله منصوب شد و شگفتا که رأی اعتماد نیز گرفت.

مقتول و این که سالار مفخم ابتدا مجازات شود یا
اسرا را مسترد دارد، سپس مجازات اجرا شود
بحث‌های کشدار و دراز آهنگ ادامه داشت:

آقا مشهدی باقر - اینکه سالار بعضی را
واسطه نموده که مرا مرخص کنید بروم اسرا را
استرداد کنم شاید بخواهد برود آنوقت دولت
و ملت دچار زحمت بشود اگر راست میگوید
برای برادر و کانش بنویسد که بیست روزه
یا یکماهه اسرا را استرداد کنند و الا رفتن
خود او صلاح نیست.

آقا امام جمعه ... من دیگر خجالت میکشم
از اینکه مجلس که خودش را کنگره عدالت
میداند هشت ماه است این مسئله مذاکره
میشود هیچ نتیجه نداشت و ندارد آخر قدری
و کلا ملاحظه شأن و احترام خودشان را
بنمایند چیزی را که مورد مذاکره قرار دادند
نتیجه بگیرند.

رئیس - امروز عهد کردم که تا نتیجه از این
مطلب نگیرم، برنخیزم.

حاج امام جمعه - یک مطلب دیگر در بابت
اسرا است باید از او التزام گرفت که اسرا را
بیاورد در یک مدت معینی و هر گاه در آن
مدت استرداد نکرد مجازات شود دیگر آنکه
آنچه از حقوق آن سوار و ساخلوهای آنجا
گرفته، خورده باید ادا کند.

آقا میرزا محمود - هیچ کس راضی نمیشود که
او استخلاص شود در صورتیکه صد مرتبه از
اقبال السلطنه بدتر است برادرش و رشید
نظام و دیگران آنجا هستند هرچه باید بدهد
بآنها بدهد آنها اسرا را استرداد میکنند...

تقی زاده ... اگر مسامحه شود گرفتار غضب
الهی خواهیم بود.

... رئیس - پس باید تا آخر ماه رمضان
استرداد اسرا را مجلس بخواهد.

... حاج امجدالدوله - اینکه گفتند این

محاکمه استیناف شود برای این بود که آن
مجازات را کم میدانستند مجازات [قتل]
بموجب شرع قتل است حالا هم اگر تا یک

ماه توانست اسرا را استرداد کند فیها و الا
باید همان مجازات مجری شود.^{۲۲}

جلسه‌ی ۲۷ شبان هم با آن که رییس و دیگران
می‌خواستند هر طور شده، امروز درباره‌ی استرداد
اسرا و مجازات سالار مفخم به نتیجه برسند، با ورود
فردی به مجلس ناتمام، رها شد.

از گفت‌وگوهای نمایندگان مجلس به روشنی
پیداست که آنان با آن که به مجازات سالار مفخم و
جنایات او باور دارند، و با همه‌ی آن که از پشتیبانی
مردم بهره‌مندند، باز هم مرعوب شأن سرداری او
هستند و با آن که بر وزیر عدلیه خرده می‌گرفتند که
در انشای حکم، شئون وی را مراعات کرده است،
خود نیز درباره‌ی استخلاص او برای استرداد اسرا،
درخواست استیناف وی و... مردد بوده و در مجموع
نمی‌توانستند به نتیجه و تفاهم کلی برسند. بدین
ترتیب، هنوز با همه‌ی حمایت‌های مردمی و سخنان
پرشور و هنگامه‌ی نمایندگان، مجلس و مشروطه
گرایان در برابر سرداران و درباریان و وزرا و در یک
کلام استبداد گرایان ریشه‌دار و پرنفوذ، یک لاقبا و
ناتوان می‌نمود.

وزارت آصف‌الدوله

در ۱۸ رمضان ۱۳۲۵، رویداد شگفت‌آور دیگری به
وقوع پیوست و آن به وزارت رسیدن آصف‌الدوله بود.
کابینه‌ی مشیرالسلطنه با آن که هارچ و آبرویی
نداشت،^{۲۳} و کارکنان وزارت خارجه و آزادیخواهان از
سعدالدوله ناخشنود بودند اما دانسته نیست چه شد
که آنان به کنار رفتند.^{۲۴}

کابینه‌ی بعدی به رییس‌الوزرای ناصرالملک،
برای گرفتن رأی اعتماد در تاریخ یادشده، درمجلس
حضور یافتند. در این کابینه غلامرضا خان
آصف‌الدوله، حاکم معزول خراسان که موجب سقوط
کابینه‌ی وزیر افخم نیز شده بود، به وزارت داخله
منصوب شد و شگفتا که رأی اعتماد نیز گرفت. و
مجلسی که در گفت‌وگوهای کشدار و تکراری‌اش،
آصف‌الدوله را به سفاکی و استبدادگرای، اخلال در
کار انتخابات خراسان و دختر فروشی و... متهم
می‌کرد، آن روز به او به عنوان وزیر داخله رأی
اعتماد داد.

در هیچ یک از گفت‌وگوهای مجلس، هیچ‌گونه
سخن یا اشاره‌ای درباره‌ی رفع اتهام از آصف‌الدوله از
سوی نمایندگان مجلس یا کم کم حمایت حتا یک
نماینده از وی در برابر اتهام‌های بزرگ و عظیم
وارد، صورت نگرفت. اگر فرض محال را بر این
بگذاریم که نمایندگان به نوعی آصف‌الدوله را بزی از
آن جنایات سترگ شمرده‌اند، باز هم نمی‌توان
پذیرفت که همه‌ی نمایندگان، به ویژه آن گروهی که
بر آصف‌الدوله و جنایاتش تأکید و اصرار بیش‌تری
داشتند، همه در این برائت متفق باشند و در این
جلسه سکوت اختیار کنند.

جرمی که ارتکابش را به آصف‌الدوله نسبت
می‌دادند، بزرگ‌تر از آن بود که بدون رفع تهمتی

همه‌پذیر که جایی در مذاکرات و روزنامه‌ی مجلس بیاید، شسته شود. اتهام آصف‌الدوله که به کرات در مجلس درباره‌ی آن سخن رفت و به عزل آصف‌الدوله و سقوط کابینه‌ی وزیر افخم، وزیر داخله و رئیس الوزرا، انجامید حتی اگر با مدارک و شواهدی مدلل و متقن زوده می‌شد، اثر خود را به گونه‌ای در اذهان و پرونده‌ی سیاسی آصف‌الدوله بر جای می‌گذاشت که گذر وی را از سد مجلس تا رسیدن به سمت وزارت داخله ناممکن می‌کرد.

کسروی در علت جویی رأی اعتماد آوردن و پذیرفته شدن آصف‌الدوله، به عنوان وزیر داخله می‌نویسد: «نمایندگان خرسندی نمودند و چون ناصرالملک در اروپا درس خوانده بود و در آن روزها به یک اروپا دیده ارج می‌گزارند چه رسد به یک درس خواننده در آنجا، از این‌رو ارجمندی می‌شماردند، و در این هنگام نیز جز پاسداری ننمودند. یک کارشگفت وزیر گردانیدن آصف‌الدوله بود زیرا این مرد همان است که از بدخواهان بنام آزادی شمرده می‌شد که در ماه‌های نخست مشروطه، مجلس پافشاری کرده برداشتن او را از والیگری خراسان خواستار گردید و سپس به‌عنوان فروش دختران قوچانی او را با دیگران به بازرسی و داوری کشیدند که مجلس پروای بسیار به آن می‌نمود و بارها در هر نشست گفت‌وگوی آن را به میان می‌آورد، تا آنجا که چون گرایشی از فرمانفرما وزیر عدلیه به آصف‌الدوله نمودار گردید در مجلس تقی‌زاده با او پرخاش کرد. چنین کسی اکنون به عنوان یک وزیر قانونی به مجلس شناسانده می‌شد. از این شگفت‌تر آن که نمایندگان هیچ یک زبان به ایراد باز نکردند (همانا به پاس جایگاه ناصرالملک)» ۲۵

تحلیل کسروی در پاسخ به این که چگونه آصف‌الدوله وزیر داخله شد؟ این بود که محبوبیت ناصرالملک و اهمیت تحصیل‌کردگی او در فرنگ، توانسته مغفوری و وسایه‌کاری آصف‌الدوله را در اذهان نمایندگان بشوید. نکته‌ی قابل توجه در این جا، این است که برای کسروی نیز وزیر شدن آصف‌الدوله با آن سوء‌پیشینه‌ی سیاسی، شگفتی برانگیز است و نفس علت جویی وی اگرچه در پاسخی که می‌یابد کاملاً با وی متفق نشویم، حکایت از این دارد که وزیر داخله‌ی قانونی شدن آصف‌الدوله با آن پرونده و پیشینه‌ی سیاه باید علی داشته باشد. برای واکاوی دقیق ریشه‌های به وزارت رسیدن آصف‌الدوله و یافتن دلایلی قانع کننده، باید ژرف‌تر کاوید و جامع‌تر نگریست. کاری که امید تحقق یافتن آن را به آینده می‌سپاریم.

پس از سه وزارت رسیدن آصف‌الدوله، در جلسه‌ی ۲۶ رمضان ۱۳۲۵، دوباره سخن از زنان اسیر به میان آمد. در این جلسه نامه‌ای از سوی سپهدار قرائت شد. وی که برای فرونشاندن حملات ترکمان در شمال خراسان و استرآباد به این مناطق رفته بود با تلگرافی از مجلس می‌خواست که به دلیل اختلاف مذهبی میان ترکمانان و برای عقب راندن آنان، چون



● دختران قسوجان ابتدا در گفت‌وگوهای مجلس و محاکمه در عدلیه، در اسیری زنان باشکانلو تحلیل رفتند و سرانجام در قدرت نافذ و نفوذ شامل آصف‌الدوله و مردنگاری تاریخ نگاران فراموش شدند.

سواران بجنوردی مناسبند و به کار گرفتن آنان هم بدون استخلاص سالار مفخم ممکن نیست، سالار مفخم را رها سازد.

درخواست سپهدار دلیل روشنیست که تردید حمله‌های ترکمانان، برای رها کردن سالار مفخم از بند را به یقین تبدیل می‌کند:

تلگراف سپهدار از استرآباد

هازم استرآباد هستم رفع تعذبات ترکمانها را خواهم کرد چیزی که هست پیشرفت کار موکول است به بعضی اقدامات که از طرف مجلس بشود از جمله حالا میان ترکمان اختلاف مذهبی باعث اختلال شده است کسی که میتواند رفع ترکمان را بکند سوار بجنوردی است آن هم بواسطه حبس سالار مفخم مشکل است حرکت داده شود عقیده بنده این است که سالار مفخم را مجلس مرخص نماید تا با من بیاید هم اسرا مسترد شود و هم رفع ترکمانها بشود و مجلس و ملت از تقصیر او بگذرد. ۲۶

در همین جلسه یکی از نمایندگان به گاه وصف وضعیت افتضاح و نابسامان مجلس، به آصف‌الدوله و دستیابی به مقام وزارت داخله از پس آن همه

هنگامه و هیاو اشاره می‌کند:

حسنعلی خان - کار این مملکت بافتضاح رسیده پنج ماه از دست یک نفر فریاد می‌کنند تا اینکه او را عزل میکنند بعد او را وزیر می‌کنند شش ماه از دست یکی دیگر داد میکنند تا زنجیر به گردن او می‌گذارند بعد بخواهش یکی دیگر می‌خواهند مرخص کنند بنده کاری ندارم که بعدها کسی در مأموریت خود خدمت خواهد کرد یا نه همین قدر می‌گویم حالا که مجازات در میان نیست کاری نکنید که لااقل ترویج قبایح هم بشود. آقا سید مهدی - اگر سپهدار بدون مقدمه میگفت سالار مفخم را بدهید من بیرم بهتر بود تا این که این مقدمات را ببیند این که نوشته‌اند در میان ترکمانان نزاع مذهبی است این خیلی کم است ثانیاً معلوم نیست سوار بجنورد بتواند در آنجا کاری بکند.

آقا میرزا طاهر - آنچه معلوم است این است که تمام این تحریکات از طرف خود سالار مفخم و اکرم الملک و سفاخرالملک است که این کارها را بکنند تا او را مستخلص نمایند. ۲۷

در جلسه‌ی دوم شوال، رئیس سخن چند روز پیش خود را، مبنی بر تأخیر سپهدار در پی دریافت پیامی از سفیر روس - خبری که در مطبوعات نیز اوج گرفته بود - را پس می‌گیرد.

... پسریروز در باب رفتن سپهدار باسترآباد بنده عرض کردم از قول کسی که از طرف بعضی از سفرا بلاو پیام داده شده بود که ایشان نروند و این مطلب نسبت به سفیر دولت بهیه روس بود ولی این شهرت و مطلب بی‌اصل بوده این است که خاطر نشان وکلای عظام مینمائیم که مسبوق باشد این مطلب دروغ بوده است.

تقی‌زاده - بی این مطلب شهرت گرفته بود اگر بی اصل است خوب بود سفیر دولت بهیه روس دو کلمه بوزیر امور خارجه بنویسند که این دروغ است.

وزیر امور خارجه - سفیر در این خصوص حضوراً به من گفتند که این مطلب بی‌اصل است و چنین بیفایمی داده نشده است خوب است رفع اشتباه شود. ۲۸

سپهدار که برای بازگرداندن اسرا و دفع حمله‌های ترکمانان به آن ناحیه رفته بود، پس از تأخیری آشکار که موجب نگرانی و اعتراض نمایندگان شد، درخواست آزادی سالار مفخم را طرح کرد و چون پاسخ نگرفت به رشت رفت و مدتی آنجا ماند تا ۲۷ شوال که دوباره به استرآباد بازگشت.

در مجلس نیز کم و بیش برخی از نمایندگان برای گریزانیدن سالار مفخم می‌کوشیدند. در دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۵، یکی از نمایندگان، در ضرورت آزاد ساختن سالار از عریضه‌ای که سالار مفخم برای وی

نوشته و نامهای که در آن درخواست آزادی کرده بود، سخن می‌گوید:

آقا سید عبدالله مجتهد - در حدیث است که من سن سنة حسنة فله اجر من عمل بهاء و من سن سنة سيئة فعليه مثل وزر من عمل بها است پس هر کس یک عمل خیری را مؤسس شود تا قیامت شریک خیر اوست و همچنین هر کس مؤسس عمل شر شود آن هم تا قیامت شریک وزر و شر اوست و شما در آن روز تابستان آمدید اینجا نشسته و نطق کردید طوری که همه به گریه درآمدند و عرق اسلامیت به جوش آمد از این مسئله که خواهران ما را که به قید رقیب و اسارت درآورده‌اند. اصفالدوله را بواسطه همین مطلب از حکومت معزول کردند و آنها را که طرف بودند حاضر کردند. نمایان چه شد که در محکمه تقصیر به گردن سالار مخم وارد آمد و الان هفت ماه است که در حبس است و سابق هم هریضه نوشته بود، من اظهار نداشتم و می‌دانم بعضی اظهارات هم از خارج میشود که نمیشود شنید ولی بموجب همان حدیث که گفتیم باید گفت. این شخص دوباره کافذ نوشته که بودن بنده در حبس فایده ندارد، من ضامن می‌دهم و پول می‌دهم و املاک خودم را اگر می‌دهم که بروم اسرا را مسترد دارم و اگر نکردهم دهات مرا ضبط نماید اگر حرفهای او مقرون به صدق است، پس عاقل نباید چیزی را که از او نتیجه حاصل می‌شود از دست بدهد و این شخص اسرا را مسترد میدارد و اگر قبول نمایم در صورتی است که ما خودمان بتوانیم پول داده باشیم و اسرا را حاضر نمایم.

آقا میرزا محمود خوانساری - ... ما فرضی نداریم مقصودمان استرداد اسرا است پول می‌خواهد بدهد همان رشید نظام و دیگران هستند که پول بآنها داده شود و آنها اسرا را مسترد دارند لیکن باین طور که فرمودید ملت یک اطمینانی میخواهند که اگر از اینجا رفت و تهرود نمود بتوانند از او بگیرند.

آقا سید عبدالله مجتهد - معنی کفیل چیست معنی کفیل این است که اگر او رفت و این کار را نکرد او را بدست شما بدهد... سالار مخم ضامن و کفیل صحیح میدهد که رفته اسرا را مسترد داشته بشما بدهد و هرگاه نکرد آن کفیل ضامن است که خود او را بشما بپارند. تقی زاده - ... اگر مجلس بخواهد این مسئله را بجای نرساند دیگر حرف او در نظر ملت اعتباری نخواهد داشت و هر وقت که این مسئله یاد می‌آید از حال طبیعی خارج میشود و کاش سالار مخم در حبس میرد و متذکر این مسئله نمیشدیم اشخاصیکه

میخواهند باو رحم بکنند بان محبوسین بیچاره یعنی صاحبان اسرا که در خیابانها ویلان و محبوس‌اند و اکثر روزها اینجا حاضرند و در کوچه و بازار جلوی ما را گرفته ناله میکنند رحم نمایند... قرار بود که تا فرقه شوال اگر اسرا را مسترد نداشت مجازات شود ولی معلوم میشود که فراموش کردیم پس خوب است حالا که مجلس رأی خودشرا مسجری نداشت همانطور فراموش مان باشد و بخاطر نیابردیم که بیشتر اسباب افتضاح ما نشود بهمان نحو در حبس باشد تا بمیرد. ۲۹

□□□

در هشتم ذیحده ۱۳۲۵، ناصرالملک که آشوب را نزدیک دیده از آن دوری می‌خواست، ۳۰ از کار کناره جست. درگیری‌های میان درباریان و استبداد خواهان و مردم بالا گرفت اما با تدبیری که انجمن تبریز اندیشید، محمد علی شاه و در نتیجه استبداد گرایان عقب نشینی کردند. انجمن تبریز به دلیل این که محمدعلی شاه سوگند خود را شکسته، او را از پادشاهی مخلوع دانست و این خبر را به آگاهی محمدعلی شاه، مجلس شورای ملی و به دیگر شهرهای رشت و قزوین و اصفهان و شیراز و یزد و... رساند.

محمدعلی شاه که سایه سنگین ظل السلطان را بر پادشاهی‌اش افکنده می‌دید، با این اقدام انجمن تبریز، هراسان واپس نشست و در هفدهم ذیحده سوگند نامه‌ای به مجلس فرستاد که با این جملات پایان می‌یافت: هرگاه نقض عهد و مخالفت [در حمایت و رعایت قانون اساسی] از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مطابق عهد و شرط و قسمی که از زکلی ملت گرفته‌ایم مسئول خواهیم بود. ۳۱

در کابینه‌ی بعدی که پس از درگیری‌های توپخانه به رییس‌الوزرای نظام‌السلطنه تشکیل شد، اصفالدوله همچنان وزیر داخله بود.

کسروی می‌گوید پس از شناساندن وزرا، نمایندگان مجلس به یک رشته گفته‌های بیهوده و بی‌ارجی پرداختند. یکی از "ملت" سیاس گزار، و دیگری از "دولت" ستایش کرد و سومی الحمدالله الذی هدانا لهذا... خواند و با این سخنان مجلس به پایان رسید، ۳۲ او اظهار شگفتی می‌کند که در این جلسه هیچ یادی و نامی از کاردانی آزادیخواهان تبریز و... برده نشد همچنان که نگارنده‌ی زن نگر از دوباره رأی اعتماد گرفتن و وزیر داخله شدن اصفالدوله با آن اتهام‌های سنگین دخترفروشی و مخالفت با مشروطه و آزادیخواهی و... شگفت زده می‌شود.

□□□

اما اخبار پیروزی و کامیابی سپهدار در استرداد اسرا و دفع ترکمانان پیوسته از استرآباد به مجلس می‌رسید و در روزنامه‌ی مجلس و سایر نشریه‌ها منتشر می‌شد. این اخبار که گاه شماره‌ی دقیقی از

اسرای بازگردانده شده، گزارش می‌کرد، برای سپهدار در میان نمایندگان مجلس و مردم شهرت و خوش‌نامی انگیزخته بود. نجم‌آبادی در کتاب حکایت دختران قوچان می‌نگارد سپهدار در گزارش‌های خود شماره‌ی دقیقی از اسرای آزاد شده می‌داد. معلوم نبود این اسرا اسرای قبلی قوچان بودند و یا آنها که در حملات اخیر به اسارت رفته بودند. ۳۳

* تلگرافی از استرآباد از طرف جناب سپهدار قرائت شده قریب باین مضمون*

توسط جناب مستطاب سردار منصور حضور انای محترم مجلس مقدس زمان مأموریت بنده سرحد استرآباد و کولکلان قرار شد تمام قشون مازندران و سیصد سوار از طهران و فوج سمنان و دامغان و سوارهای بسطامی با یک هزار و پانصد سوار از خراسان در اینجا جمع شوند بعد از ورود بنده به همه جهت فقط از سازندران یکهزار و دویست نفر اسیر آوردند و امروز هم قاصد آمد که ده نفر زن و بچه اسیر آوردند و باقی را هم نوشته بودند که تحویل خواهیم داد اگر قشون بیاید تمام اسرا سابق و لاحق و اموال منهبه مسترد خواهد شد... ۳۴

در تلگراف دیگری که سپهدار از استرآباد فرستاده بود، درباره‌ی زنان اسیر چنین آمده است:

دو نفر زن را نیز اسرای قوچان ریش سفیدان بشهر آورده بودند مگر وسیله استخلاص حاجی محمدخان سازند ولی زن‌ها از مراجعت بقوچان ابا و امتناع نموده می‌گویند هر کدام چند نفر اولاد پیدا کرده راضی نمیشوند فرزندان خود را رها نموده بقوچان بروند... بالاخره ترکمانان شکست خورده جمعی از آنها مقتول و مجروح شده مقتولین خود را در صحرا نهاده و فرار کردند هاسکو منصوره نهایت رشادت و شجاعت را بخرج دادند امید است بعد از این آن حدوده کاملاً منظم شود و اهالی بامنیت تامه نایل شوند.

در گزارش دیگری که سپهدار از مأموریت خود به مجلس می‌دهد، درباره‌ی زنان اسیر می‌گوید:

آنچه... داشتم بقرض [هادم] تا یک اندازه این همراهان را نگاهداری نموده اسرای خراسان که از جوین آورده شصت و دو نفر بودند چهل و دونفر را گرفته بصاحبانشان داده‌ام نوزده نفر باقی است و اسیر... چهل نفر بودند یازده نفر را گرفته تسلیم دست صاحبش نمودم بیست و نه نفر باقی است اسرای سنواتی خراسانی با اسرای استرآبادی و مازندران و چند نفر اسیر سابق قوچان که حکام بجنورد و قوچان فروخته بودند تاکنون کسلیه یکصد و شانزده نفر گرفته شد و بصاحبان آنها داده شد بعضی را هم خودم روانه کردم چهارپنج نفر اسیر زن و دختر

بی صاحب الان گرفته حاضر است که صاحب آنها معلوم نیست و خود این دخترها هم چون کوچک بودند اسم پدر و مادر خود را نمیدانند و مسکن مالوف را نمی‌شناسند حالیه این عده اسیر که باقی است تضمیناً چهل نفر از اسرای امساله چپاولی ترکمان و پنجاه و دو سه نفر از اسرای قوچان فروشی خوانین خراسان است... ۲۵

عزل آصف الدوله از وزارت داخله

در ۱۲ محرم ۱۳۲۶، به علت اغتشاش‌ها و آشفتگی‌های ولایات مختلف و بر سر کار نگاه‌داشتن حاکمان و سرداران قدیم، آصف‌الدوله از وزارت داخله عزل شد.

تقی زاده ... بعد از واقعه میدان توپخانه اینجا صراحتاً به وزیر داخله گفته شد که باید اقبال الدوله طرد شود قول هم داد حتی در روزنامه‌های خارجه هم این مسئله نوشته شد چون وزیر داخله خلاف مقصود خود می‌دانست به اعمال گذرانید تا از میان برود و همین‌طور توأم‌الملک را که از فارس خواستند بجهت فساد او و چند دفعه خواست برود در مجلس گفتگو شد و مجلس رأی نداد... این وزیر از روزی که داخل کار شده تمام امورات را بمسامحه می‌گذارند و همین‌طور سایر وزرا که بعضی‌شان می‌گویند من میرزا بنویس مجلس هستم.

نماینده‌ی دیگری - آقا میرزا مرتضی قلیخان - هرچه اغتشاش و آشفتگی در مملکت است مربوط به آصف‌الدوله می‌داند و می‌گوید شکایت‌های بسیاری از فارس و بی‌نظمی آن جا دریافت کرده است. آقا میرزای مجاهد نیز در تأیید سخنان میرزا مرتضی قلیخان و تقی‌زاده می‌گوید: برناید زرگرک چوپانی و افرادی چون آصف الدوله را نه محرک چرخ مشروطیت که چوب لای چرخ گذار و مانع پیشرفت مشروطه می‌داند.

تقی‌زاده با بر شمردن موارد خیانت و تقصیر آصف‌الدوله بالاترین تقصیر او را سهل‌انگاری در امور کشوری می‌داند که «هر کاری را که به او می‌گویی به ملاحظه می‌گذارند و جواب می‌دهد درست می‌شود. بنده از این یک نفر نمی‌گذرم و سلب اطمینان مینمایم و باید در این باب رأی گرفته شود» ۲۶

پس گفت‌وگوهای بسیار، اکثریت آرای نمایندگان حاکی از عدم اعتماد آنان نسبت به آصف‌الدوله بود و این چنین بود که آصف‌الدوله از وزارت داخله عزل شد.

و اما سرانجام آصف‌الدوله، سالار مفخم، زنان باشکانلو و دختران قوچان:

آصف‌الدوله پس از به توپ بستن مجلس و آغاز استبداد صغیر (۲۳ جمادی‌الاول و ۶ جمادی‌الثانی

● ترکمان برای رد کردن واقعیت فروش دختران و افسانه نمودن آن، به منابع کم ارزش تر کتاب نجم‌آبادی استناد می‌کند و به منابع دست اولی که وی از آن سود جست توجیه نمی‌کند.

۱۳۲۶ حکمران فارس شد و پس از برقراری مشروطیت در رجب ۱۳۲۷، از حکمرانی فارس عزل شد. فراز و فرود سرنوشت سیاسی آصف‌الدوله استبدادگرا، درست به عکس سرنوشت مشروطیت و آزادیخواهی در ایران راه می‌پیمود به گفته نجم‌آبادی سرنوشت سیاسی آصف‌الدوله از این تاریخ به بعد (پس از عزل شدنش از وزارت داخله) تابع مبارزات قدرت بین مشروطه طلبان و استبداد خواهان شد. ۳۷

سالار مفخم نیز همچون آصف‌الدوله پس از به توپ بستن مجلس از زندان عدلیه گریخت و در دوره‌ی استبداد صغیر از سوی امیربهادر، لقب سردار معزز یافت و دوباره به حکمرانی بجنورد منصوب شد. زنان باشکانلو نیز اگرچه باید با تردید به اظهارات سپهدار مبنی بر بازستاندن بیش‌تر آنان نگرست، برخی بازگردانده شدند.

دختران قوچان نیز ابتدا در گفت‌وگوهای مجلس و محاکمه در عدلیه، در اسیری زنان باشکانلو تحلیل رفتند و سرانجام در قدرت نافذ و نفوذ شاملی آصف الدوله و مردنگاری تاریخ نگاران فراموش شدند. به گفته‌ی نجم‌آبادی "ناامام ماندن" داستان دختران قوچان "تنها انجامش پذیرفتنی سرنوشت آنان بوده" ۳۸

فروش دختران قوچان: واقعیت یا افسانه؟ نظر نگارنده‌ی این جستار درباره‌ی واقعیت یا افسانه بودن فروش دختران قوچانی بر خوانندگان پوشیده نیست اما در پایان چهارمین و آخرین بخش از نگاه برش‌وار بر زنان در دور نخست مذاکرات مجلس شسورای ملی، ضروری می‌دانم بر نقدی که محمدترکمان در نشریه‌ی دنیای کتاب، به تاریخ آبان ماه ۷۵ بر کتاب حکایت دختران قوچان [افسانه نجم‌آبادی] نوشته است، نگاهی بیفکنم. عنوان نقد محمد ترکمان بر کتاب حکایت دختران قوچان این است:

افسانه‌ی معمول فروش دختران قوچانی! محمدترکمان، منتقد کتاب «حکایت دختران قوچان» و معتقد به افسانه‌ی معمول بودن فروش دختران قوچان، در آغاز نقدش آموزگارانه، دوازده ویژگی را برای پژوهش و تحقیق در موضوعات تاریخی بر می‌شمارد، که پس از این، به آن خواهم پرداخت.

ایشان پس از سیاه کردن ویژگی‌های پژوهش تاریخی، درباره‌ی تحریف و بی‌انصافی که بر گزارش

شخصیت آصف‌الدوله، توسط تاریخ‌نگاران صورت گرفته، چنین می‌نگارد: «از جمله موارد تاریخی مشحون از کذب و جعل و تحریف و بی‌انصافی و بداخلاقی و دغلبازی و شعیده‌بازی و غلط‌نویسی، می‌توان از شخصیت تاریخی مرحوم حاجی غلامرضا خان آصف‌الدوله اینانلو و شایعات ساخته و پرداخته درباره اطراف یاد کرد» ۳۹

حال می‌خوانیم دلایل ایشان را برای تحریف و بی‌انصافی ... نسبت آصف‌الدوله:

نخستین منبعی که «شراب پاشی‌های معاندان و جاهلان» ۴۰ درباره‌ی آصف‌الدوله را فاش می‌سازد، گفته‌های محمد ترکمان، خود منتقد است که در مقاله‌ای در نشریه‌ی تاریخ معاصر ایران منتشر شده است. به عبارتی نویسنده در پانوش شماره‌ی ۱ و ۴ به گفته‌های خودش کد داده است نه به منبع مادر و دست اول آنچنان که خود در آغاز نقدش استفاده از آن را توصیه می‌کند:

«غلامرضا خان آصف‌الدوله، والی وقت خراسان، پس از چندی به دلیل جو سازی‌های «از ما بهتران» تحت عنوان معمول «فروش دختران قوچانی به ترکمان‌ها» به تهران فراخوانده شد و مجلس به این امر رسیدگی و کذب دخالت او مبرهن گردید، اما هنوز در برخی از نوشته‌ها تحت تأثیر آن شایعات، او را به این اتهام، مورد طعن و لعن قرار می‌دهند» ۴۱

همان‌گونه که در شماره‌های پیشین ۴۲ در گذار از گفت‌وگوهای نمایندگان مجلس دیده شد، در جلسه‌ی محاکمه‌ای که با حضور وزیر عدلیه و وکلای مجلس و مجرمان و شاکیان تشکیل شد، به هیچ روی جرائم آصف‌الدوله از جمله ایجاد اختلال در روند کار انجمن‌ها و انتخابات ولایات و سختگیری در گرفتن مالیات و واداشتن رعیت به دختر فروشی در قوچان (برای پرداخت مالیات) رسیدگی نشد. در این محاکمه تنها جرائم سالار مفخم که موجب قتل و به اسیری رفتن زنان باشکانلو شده بود، رسیدگی شد. در این رویداد نیز عدلیه، آصف‌الدوله را به دلیل ماطله و کندی در هر گونه اقدامی، مجرم شناخت اما به جرم‌های اختصاصی او رسیدگی نکرد.

آقا سیدحسین، یکی از نمایندگان مجلس، درست پس از محاکمه‌ی سالار مفخم در عدلیه، درباره‌ی رسیدگی نشدن به جرائم آصف‌الدوله می‌گوید: در خصوص آصف الدوله هم هیچ اقدامی نشد گویا پای او بکلی خارج شد و حال آنکه اول باید او محاکمه شود.

و در جلسه‌ی دیگری، پس از محاکمه‌ی سالار مفخم و اعلام حکم نهایی، یکی از نمایندگان می‌گوید: عمل آصف‌الدوله و سایرین ربطی باین مطلب ندارد و هنوز آصف الدوله استنطاق نشده و فروش اسرا غیر از قتل و هارت است او را نباید داخل اینها کرد...

بدین ترتیب افزون بر آن که از خواندن و پیگیری روند محاکمه، می‌توان دریافت که به هیچ یک از اتهام‌های آصف‌الدوله در عدلیه رسیدگی نشده و محاکمه مختص اتهام‌های سالار مفخم بوده است،

نمایندگان نیز پس از محاکمه و اعلام حکم، به صراحت این مطلب را بیان می‌کنند.
اما ترکمان می‌گوید:

پس از بسرکناری آصفالدوله از حکومت خراسان، نامبرده به تهران آمد و در محاکمه‌ای که برای او در وزارت عدلیه ترتیب داده شده بود، شرکت جست محکمه مذکور که تقی‌زاده نیز از اجزای آن بود، پس از مدتی استنطاق و بررسی اوراق و نوشته‌جات، حکم ذیل را درباره‌ی آصفالدوله صادر کرد.^{۲۳}

ترکمان در ادامه‌ی این مطلب - که به منبعی غیر دست اول از نوشته‌ی خود کد داده است - می‌گوید: «آصفالدوله به واسطه‌ی تلگرافاتی که از عین‌الدوله در دست دارد و تحقیقات خارجی، اظهارات خودش را به مبادی عالیه کرده است، تقریباً تیره‌ن از تقصیر این کار دارد. ولی قصوری که عدلیه نسبت به او می‌داند این است که چرا بیشتر از آنچه نوشته و گفته اقدام ننموده، لہذا باید دو هزار تومان جزای نقدیه بدهد.»^{۲۴}

منتقد با تصریح حضور تقی‌زاده در جلسات محاکمه، در صدد اثبات گفته‌هایش است اما وقتی در مجلس سخن از فروش دختران قوچان در اثر سختگیری آصفالدوله در ستاندن مالیات می‌شود و مسهل‌الدوله - یکی از نمایندگان - از وزیر داخله می‌پرسد: حاکمی که مسلمانان را بفروشد مجازاتش چیست و دولت؟ و وزیر داخله پاسخ می‌دهد: البته تحقیق و رسیدگی میشود و دولت هم او را مجازات خواهد کرد، تقی‌زاده پاسخ می‌دهد: من عرض میکنم این مطلبی که از حکومت خراسان میگویند دیگر جای شبهه نیست تا تحقیق بخواهد. و وقتی وزیر داخله می‌گوید: تا بعلم‌الباقین نرسد بحرهای مردم نمیشود اکتفا کرد. تقی‌زاده چه هوشیارانه پیش‌بینی می‌کند که: آن‌ها در همه کار دست دارند و میتوانند بهزار حيله و تدبیر امر را مشتبه سازند و محاجه کنند لذا نمیشود که بعلم‌الباقین تحصیل اطلاع کرد مطلبی که همه دان شد یقین است.

و در جای دیگری تقی‌زاده می‌گوید: یکی مسئله مجازات آصفالدوله است که مانند چون مسئله استرداد اسرا با مجازات آصفالدوله را از هم جدا کردیم باید سریملاً مجازات آصفالدوله اقدام شود. بدین ترتیب روشن است که تقی‌زاده، مجازات آصفالدوله را از استرداد اسرا و مجازات سالار مفخم جدا می‌داند و نیز آشکار است که تنها برای مورد استرداد اسرا و سالار مفخم، در عدلیه جلسهای محاکمه تشکیل شد، نه برای اتهام‌های آصفالدوله که به گفته‌ی ترکمان پس از رسیدگی کذب دخالت او مبرهن شود. اگرچه در مسئله‌ی استرداد اسرا هم عدلیه او را مقصر شناخت. پس حکمی که ترکمان به نقل از ابراهیم صفایی مطرح می‌کند، مربوط به اتهام‌های آصفالدوله نیست بلکه مربوط به سالار مفخم است.

در جای دیگری از این نقد، ترکمان نوشته است: «در شأن اهل قلم نیست که به داده‌های متقن



تاریخی بی‌توجهی نموده و برای اثبات فرضیه خود به هر خس و خاشاکي متوسل شده و بعضاً به حذف و تحریف نیز اقدام نماید.^{۲۵}

بعد به زعم خود به برشردن کاستی‌ها و اغلاط ... در کتاب حکایت دختران قوچان دست می‌یازد و نقل ماجرای بریدن سر شخصی به دستور آصفالدوله در کرمان و روایتی دیگر از ملک‌المورخین مبنی بر فروش دختران قوچان و آثار میرزا هاشم مافی که ناقد درباره‌ی عدم ارزش این اثر و تحریفاتی که در نقل نوشته‌های دیگران دارد، مطلبی نگاشته است. و با نگاهستن آن مطلب قاعدتاً نمی‌بایست کسی از این کتاب استفاده می‌کرد. و مکالمه‌ی سیاح ایرانی و ژاپنوی ... را نمونه‌های متوسل شدن به خس و خاشاک برمی‌شمارد.

ابتدا باید بگویم استفاده از منابع مختلف در کتابی همچون کتاب «حکایت دختران قوچان» که نجم‌آبادی از منظر منابع گوناگون، روایت‌های گوناگون فروخته شدن دختران را پی می‌جوید، ضروری و جزء نقاط قوت این کتاب است. همچنین روشن است که نویسنده‌ی آن کتاب، نه تنها کل آگاهی‌های داده شده را با شاخ و برگ‌های متفاوت هر روایت تأیید نمی‌کند بلکه از نگاه‌ها و زاویه‌های گوناگون، واقعیت فروش دختران را که در روایت‌های گونه‌گون با نمود و پوسته‌های دیگر آفریده شده است، باز می‌تاباند. روشن است که نگارنده‌ی کتاب حکایت دختران قوچان، مسئول اغلاط بیش و کم تاریخ‌نگاران در مورد مسائل بی‌ارتباط با فروش دختران یا مرتبط بدان نیست بلکه تکرار و تکرار این روایت را در منابع دست اول (همچون مذاکرات مجلس) و منابع کم ارزش‌تر باز می‌جوید.

پر واضح است که هنگامی که در منابع دست اول، همچون مذاکرات مجلس و روزنامه‌ی مجلس و... نمایندگان در بحث‌هایی کشدار و مفصل، ماه‌ها درباره‌ی آصفالدوله و دختر فروشی در قوچان و مجازات وی سخن می‌رانند، می‌توان برای بازجست گونه‌های دیگر این روایت به منابع دیگر رجوع کرد.

چون اصل خبر مورد وثوق است و این جا نگارنده از حد اثبات جریان دختر فروشی به وسیله‌ی منابعی که ترکمان به عنوان خس و خاشاک نام برده، بسیار فراتر رفته است و روایت‌های دیگر خبری را که مورد تصدیق منابع دست اول تاریخی ست و اعتبار رسمی دارد، در سایر منابع می‌جوید، تا ملی شدن حکایت را بنمایاند.

باز می‌گردم به آغاز نقد ترکمان که وی در مقام استاد، تحلیل تاریخی می‌آموزاند و مواردی را که باید تاریخ‌نگار فرایاد دارد، بر می‌شمارد:

۱- گرده‌آوری هرچه بیش تر منابع و مأخذ مادر و دست اول دریساری موضوع مورد تحقیق: ۲۶ مذاکرات مجلس و روزنامه‌ی مجلس منبع دست اول است یا دست دوم؟ اگر منبع دست اول است چرا ایشان به کلی فروش دختران قوچانی را مجعول می‌دانند و غلامرضاخان آصفالدوله را میرا از ارتکاب آن؟ چرا ترکمان در نقد خویش در هیچ جا نامی از تأیید فروش دختران قوچانی به دلیل سختگیری آصفالدوله در ستاندن مالیات، در مذاکرات مجلس شورای ملی در طول ماه‌ها و ماه‌ها ندارد؟ و برای اثبات سخنان خود مبنی بر میرا بودن آصفالدوله به کم ارزش بودن برخی از منابع کتاب حکایت دختران قوچان اشاره می‌کند. به عبارتی ترکمان برای رد کردن واقعیت فروش دختران و افسانه نمودن آن، به منابع کم‌ارزش‌تر کتاب نجم‌آبادی استناد می‌کند و به منابع دست اولی که وی از آن سود جسته توجه نمی‌کند. همچنین اعتنا نمی‌کند که غرض نگارنده‌ی آن کتاب، از آوردن روایت از منابع گوناگون، ارزشمند و کم ارزش، گردآوری روایات گونه‌گون است نه اثبات جزئیات فروش دختران. ترکمان با انگشت تأکید نهادن بر برخی منابع کم ارزش‌تر، و نادیده گرفتن سایر منابع دست اول، خود برای اثبات مدعایش - افسانه بودن فروش دختران - به خس و خاشاک (یعنی منابع کم‌ارزش‌تر کتاب حکایت دختران قوچان) می‌آویزد.

ترکمان برای آن که بتواند چهره‌ای موجه و وجه‌ای مقبول به آصفالدوله ببخشد - به جز نخستین منابع که ترکمان به خودش کد داده بود - از هما ناطق نقل می‌کند:

«در مرزهای جنوبی ایران نیز که قلمرو انگلیس‌ها بود، رژی به مأموران مزدور مانند کتابچی‌ها و حکام دست‌نشانده همانند او نیاز داشت. برای نمونه، در ۱۸۹۰ (۱۳۰۸ ق) غلامرضا خان شهاب‌الملک (آصفالدوله) را به جای نظام‌السلطنه به حکومت خوزستان گماشتند. اما انگلیس‌ها با شهاب‌الملک ساختند... در این راه نمایندگان انگلیس «برادران لینچ» را که کارفرمایی شرکت حمل و نقل ایران را داشتند بسیج کردند. اینان از دولت خواستند شهاب‌الملک از گمرکات برکنار شود. بهانه این بود که این حاکم «با ما کنار نمی‌آید».^{۲۷}

در حالی که در مذاکرات مجلس به تاریخ پنجشنبه دوم ذیحجه‌ی ۱۳۲۴، با چهره‌ی مستبد و

استبدادگرایی آصفالدوله (صرف نظر از این که موجب فروش دختران قوچان شده است یا نه) آشنا می‌شویم. در این جلسه که وزیر مالیه و وزیر داخله هم هستند، نمایندگان از ایجاد مانع و اشکال در مسیر انتخابات ولایات به وزیر داخله اعتراض می‌کنند، یکی از این ولایات که حاکمش انتخابات را با مشکل روبه‌رو می‌کند، خراسان است.

یکی از نمایندگان در این باره می‌گوید: در اغلب ولایات انتخابات ایشان معوق و با اشکال است مثل خراسان و رشت... این مطلب غالباً از جهت استبداد حکومتها است... وکلای ولایات را حکومتها نمیگذارند انتخاب بشوند.

در این باب حکم نخست لازمست که حکام مانع نشوند و همراهی کنند. ۲۸

کسروی نیز بارها استبدادگرا بودن آصفالدوله و صف‌آرایی و مشکل تراشی وی را در برابر آزادیخواهان و طرفداران مشروطه تصریح کرده است.

حال باید پرسید مذاکرات مجلس دست اول تر است که چنین چهره‌ای از آصفالدوله نشان می‌دهد یا گفته‌ی دکتر ناطق؟

ترکمان در شماره‌ی هفتم آموزش تحلیل تاریخ - در ابتدای نقدشان - نوشته‌اند:

۷- جامع نگری و پرهیز از تک هلت نگری. ۲۹
گمان می‌کنم این مورد، شامل تحلیل خود ایشان از شخصیت آصفالدوله هم باشد، از مطلب دکتر هما ناطق مبنی بر عزل آصفالدوله از حکومت خوزستان به دلیل ناراضی‌انگیزی‌ها و آن که انگلیسی‌ها گفته‌اند آصفالدوله با ما کنار نمی‌آید، نمی‌توان یقین یافت که آصفالدوله شخصیتی مخالف با عناصر بیگانه است، و در نتیجه سخن‌هایی که درباره‌ی آصفالدوله و دختر فروشی در قوچان گفته می‌شود از بن نادرست است. برای پرهیز از تک علت‌نگری و گراییدن به جامع‌نگری بهتر نیست دشمن انگلیس را درست فردی وطن دوست و حافظ منافع کشور... برنشمرد؟ و آیا با جامع نگری در کلی شخصیت آصفالدوله - نه این یک جمله که او با انگلیس‌ها کنار نیامد - نمی‌توان این گمان را محتمل دانست که آصفالدوله‌ی مخالف مشروطه که از برقراری انتخابات در خراسان جلوگیری می‌کند، به کشور بیگانه‌ی دیگری که به اندازه‌ی انگلیس مخرب و تباهاکار بوده است، وابسته است؟ و افزون بر کارنامه‌ی سیاه مخالفتش با مشروطه، دلیل کنار نیامدن او با انگلیس‌ها گرایش به روسیه است؟ و آیا برای اثبات نادرست بودن اتهام‌های آصفالدوله، ترکمان نمی‌بایست جز به نوشته‌ای از شخص خود و دکتر ناطق، به دنبال منابع دست اول و مدار می‌گشت؟

در سومین شماره‌ی آموزش تحلیل تاریخ، ترکمان می‌نویسد:

۳- رعایت تقوای علمی، یا ذهنیات خود را بر رخدادهای موجود در خارج از ذهن حاکم نکردن بلکه

در پرتو هنیات و رخدادهای خارج از ذهن، درک و معنی خود را تصحیح کردن و... ۵۰

آیا با وجود این همه سند و مدرک، معجول دانستن فروش دختران قوچان و اعلام بی‌گناهی آصفالدوله و او را از محاکمه‌ی سالار مفتخ نه محاکمه‌ی خود آصفالدوله - که هرگز تشکیل نشد - رفع اتهام شده دانستن، حاکم کردن ذهنیات بر عینیات و رخدادهای خارج از ذهن نیست؟

در شماره‌ی هشتم آموزش تحلیل تاریخ، ترکمان می‌نویسد:

۸- خواندن نانوئشه‌ها و شنیدن ناگفته‌ها؛ ۵۱
اما ترکمان خود عکس این شیوه عمل کرده است. وی با معجول دانستن فروش دختران قوچان و بی‌گناه دانستن و مثبت معرفی کردن آصفالدوله، در هنگام نگاهش نقد بر حکایت دختران قوچان، به نخواندن نوشته‌ها و نشنیدن گفته‌ها دست یازیده است.

در جای دیگر، ترکمان در برشمردن کاستی‌های حکایت دختران قوچان، می‌گوید: الف - نقل شایعه و خبر واحد و استفاده از مأخذ غیر اصیل رناستند. ۵۲
آیا حکایت دختران قوچان خبر واحد است؟ مذاکرات مجلس که محتوی بحث و گفت‌وگوی نمایندگان است که خود در متن رویدادها بودند و روزنامه‌ی مجلس که در آن تلگراف‌ها و راپورت‌ها و اخبار داخله ثبت شده و اعتبار رسمی دارد، متن دست اول نیست؟ ترکمان روزنامه‌های وطن، آذربایجان، ندای وطن، روح‌القدس و حبل‌المتین را با این صفات توصیف می‌کند: غوغا طلب، هوچی، هتاک، بازار مکاره‌ی دروغ‌گویی و بی‌آبرویی، فاقد ارزش، فحاش، سبب ایجاد بلواهای مصنوعی و زیانمند و منتشر کننده‌ی اکاذیب و شایعات و تخریب و تخویف و تخفیف رجال کشور... حال بدون آن که برای نسبت دادن هر یک از این صفات، به اقامه‌ی دلایلی متقن و مستند بپردازد، انتظار دارد، به شهادت صفت‌های مذمومی که به افراد، تاریخ‌نگاران و مطبوعات نسبت می‌دهد، سراسر آن مکتوبات و نگاشته‌های آنان شایعه، دروغ، افترا، هتاک و هوچی‌گری تلقی شود.

ترکمان تنها می‌گوید نشریه‌ی هتاک فحاش شایعه‌پرداز فلان فلان، درباره‌ی آصفالدوله این را گفته‌است، اما نمی‌گوید چرا به نوشته‌های این نشریات مشکوک است و بدون استدلال با فحاش خواندن آن نشریات متوقع است، سراسر نوشته‌های آنان به ویژه روایت دختران قوچان که بازگویی‌اش تنها منحصر و مختص این نشریات نیست. معجول شناخته شود.

ترکمان تنها برای تردید خود نسبت به نشریه‌ی حبل‌المتین، دلیل می‌آورد و سبب آن را هم وابسته بودن به استعمار انگلیس عنوان می‌کند، وی می‌پندارد پیش از این ضدیت آصفالدوله با استعمار انگلیس - به دلیل دو سطری که به دکتر ناطق کد داده بودند اثبات شده است و حال هم مندرجات

حبل‌المتین را به دلیل وابستگی به انگلیس مردود می‌شمارد.

اگر تنها روزنامه‌ی حبل‌المتین، حکایت دختر فروشی را درج کرده بود و در روزنامه‌ی رسمی مجلس و مذاکرات و... نشانی از این اخبار نبود، شاید می‌شد تا اندازه‌ای گفته‌های ایشان را پذیرفت اما واقعیت این است که همه‌ی نشریات از رسمی گرفته تا غیررسمی درباره‌ی فروش دختران قوچانی نوشتند. اگر چه این روایات از نظر شمار فروخته شدگان و جزئیات دیگر همچون هم نباشد، اما اصل و درونمایه‌ی اصلی ماجرا یکی‌ست و تکرار آن در زبان‌ها و کلام‌های گوناگون نویسندگان نشریات - با گرایش‌های خاص آنان - اگر چه زبانی روایت و جزئیات را تغییر داد، اما اصل و ماهیت ماجرا یکسان بود و همین تکرار و تکرار اصلی روایت از زوایای گوناگون در دامنه‌ی گسترده‌ای از منابع دست اول تا منابع کم ارزش، منابع ارزش‌مند و محل وثوق تا منابع بی‌ارزش و مطمئن، باعث پذیرش صحیح وقوع آن به عنوان واقعیتی مسکوت یا کتمان شده در تاریخ‌نگاری‌های پسین مردانه می‌شود.

نکته‌ی آخرین آن که در کتاب حکایت دختران قوچان، نجم‌آبادی به هیچ روی به خبر واحدی از فروش دختران اکتفا نکرده است بلکه در حد توان اطلاعاتی و منابع خویش، از زاویه و منظر اغلب روزنامه و نشریات و کتاب‌های تاریخی آن زمان، بازآفرینی ماجرای فروش دختران را در روایات گوناگون - به شیوه‌ی علمی و به دور از تعصب و پیش‌داوری - باز جسته است. منبع مورد استفاده‌ی نجم‌آبادی در باز جسته روایت‌های گوناگون حکایت دختران قوچان، تنها چند روزنامه‌ی یاد شده توسط ترکمان نیست، روزنامه‌ی مجلس، مذاکرات مجلس، آئینه غیب‌نما، ادب، ایران، پرورش، تربیت، تمدن، ثریا، الجمال، روح القدس، رهنما، صبح صادق، صوراسرافیل، کاه، کشکول، محاکمات، مساوات، و ندای وطن و کتاب‌های بسیاری‌ست که خوانندگان می‌توانند به کتابنامه‌ی آن مراجعه کنند.

پایان سخن آن که به راستی باید باور کرد فروش دختران قوچان واقعیتی‌ست مسکوت مانده که با روش تاریخ‌نگاری مردانه و مردنگر، با مسکوت و نادیده‌انگاری‌های این چنینی تا مرز نیستی و معجول بودن رانده شده است و این گفته‌ی نجم‌آبادی واقعیت دارد که آنچه فاقد انیم اسناد و مدارک نیست بلکه بازخوانی اسناد و مدارک موجود تاریخی است با دیدی که جویای بازیابی زنان در تاریخ باشد. ۵۳

- ۱) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۲۷.
- ۲) همان.
- ۳) همان.
- ۴) همان.
- ۵) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۵۰.
- ۶) همان.
- ۷) روزنامه‌ی مجلس، شماره‌ی ۱۵۱.

□ توضیح (۱) در شماره‌ی پیشین، شماره‌ی هفتم، بخش سوم زنان در دور نخست مذاکرات مجلس شورای ملی، ص ۴۸، ستون سوم آمده است امیراعظم، والی استرداد، که درست آن والی استرآباد است.

□ توضیح (۲) طرح‌های شماره‌ی ششم و هفتم و هشتم مجله‌ی حقوق زنان مربوط به این جستان - از گیتی رمزی - با استفاده از نقاشی پرویز اردبیل‌پناه بوده است.

بقیه از صفحه‌ی ۵۱

سالمندی، زمستان زندگی

است که غذا در آشپزخانه‌های مرکز شهر آماده شده و در بسته‌های انفرادی قرار می‌گیرد و سپس توسط افراد داوطلب (نیوکوار) به نشانی سالمندان فرستاده می‌شود.

پایگاه اجتماعی سالمندان

در اجتماعی که افراد آن به سوی آخرت گرایش دارند، پایگاه اجتماعی سالمندان محکم‌تر و با ارزش‌تر از جوامعی است که به سوی دنیا گرایش دارند. چرا که این‌گونه جوامع بردست آوردهای انسانی تأکید دارد و در نتیجه استعداد و قابلیت و توانایی، تعیین‌کننده‌ی پایگاه اجتماعی می‌شود و ارزش پیروی و سن و سال کاهش می‌یابد.

گرایش به سوی گروه و گرایش به سوی فرد نیز در تعیین پایگاه اجتماعی سالمندان تأثیر بسیاری دارد، در جوامعی که به سوی گروه گرایش دارند، تأکید آن‌ها بر وحدت و همبستگی و تداوم گروهی، از نسلی به نسل دیگر است. در نتیجه سالمندی از دیدگاه زمانی وسعت یافته و آینده‌ی گروه و آینده سالمندان نیز مورد نظر قرار می‌گیرد. گذشته از آن، گرایش به سوی گروه سبب تأکید بر رفاه و آسایش و اهمیت همه‌ی افرادگروه شده، در نتیجه احساس مسئولیت نسبت به سالمندان افزایش می‌یابد و تکلیف سنگینی برعهده‌ی جوانان و افراد میانسال گروه گذاشته می‌شود.

بنابراین باور گروهی از اندیشمندان، سالمندان باید با سایر افراد خانواده که از گروه‌های سنی و نسل‌های مختلف هستند، زندگی کنند و بنابر نظریه‌ی دیگر، سالمندان باید جداگانه زندگی کنند.

بررسی آثار اندیشمندان نشان می‌دهد که هیچ کدام از این دو نظریه‌ی افراطی نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای سالمندان ارائه دهد. به نظر برخی از اندیشمندان اگر سالمندان در همان اجتماع یا محله‌ای که اقوام نزدیک آنان زندگی می‌کنند، در اقامتگاه جداگانه‌ای سکونت گزینند، در واقع نظر هر دو گروه تأمین شده است. چرا که سالمندان از یک سو با نسل‌های مختلف و اجتماع همبسته‌اند و هم این که از بیگانگی و احساس غربت در سالمندان و مشکلات بی‌شمار مؤسسه‌های نگهداری سالمندان جلوگیری می‌شود.

بنابراین پژوهشی که از مؤسسه‌های نگهداری سالمندان در انگلستان به عمل آمد، بیش‌تر سالمندان از این که به این مؤسسه‌ها منتقل شده‌اند، ناخشنود و از نظر روانی و اجتماعی در وضع بسیار دشوار و ناراحت‌کننده‌ای به سر می‌بردند، در حالی که بیش از نیمی از ساکنان این مؤسسه‌ها می‌توانستند بدون کمک دیگران، امور زندگی روزمره خود را اداره کنند و سرگرم باشند.

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست آمد آن بود که همه‌ی مؤسسه‌های نگهداری بسته شوند و سالمندان به محله‌های سکونی منتقل شوند تا با کار خود و یاری

محله و خدمات عمومی زندگی کنند. از سوی دیگر طرفداران نظریه‌ی سکونتگاه‌های نیمه جداگانه برای سالمندان، می‌گویند که اگر تربیتی داده شود تا سالمندان به طور گروهی در ساختمان‌های مخصوص در محلات سکونی زندگی کنند، از این جهت که با یکدیگر همبستگی پیدا می‌کنند و همچنین می‌توانند با گروه‌های سنی دیگر در تماس باشند، مناسب‌ترین راه‌حل برای مشکل سکونتگاه سالمندان است. در این صورت سالمندان اداره‌ی امور زندگی خود را در دست گرفته و در امور اجتماعی مشارکت می‌کنند. در حالی که کم‌تر در معرض داوری و ارزش‌گذاری گروه‌های سنی دیگر قرار می‌گیرند. بدیهی است که برای سراسر مختلف سالمندی باید راه‌حل‌های متفاوتی و بنابر شرایط جسمی - روانی سالمندان در نظر گرفت و نیز می‌توان روش‌هایی پیش گرفت که سکونتگاه‌ها تطبیق نظریه‌های مختلف را به تناسب فرهنگ و جامعه تأمین کند.

این پژوهش در پی درک لحظه‌های تنهایی انسان‌هایی نگاشته شد که از امید تهی شدند و تلاش نگارنده‌ی این پژوهش بر آن است تا با درک درست این لحظه‌ها، شگردها و راه‌حل‌هایی برای کاهش دردهای این گروه ارائه کند. باشد که تا با استفاده از این راه‌حل‌ها بتوان لحظه‌های بسیار دشوار واپسین روزهای به آخر رسیدگان را کمی انسانی‌تر، کمی قابل تحمل‌تر و اندکی باشکوه‌تر به پایان رساند. □

۱ - (دوبار، ۱۹۷۲: ۷۷)

۲ - (سازمان ملل متحد کشورها را به سه نوع ساخت جمعیتی جوان، بزرگسال و سالخورده تقسیم کرده است که مشخصه آن میزان نسبت جمعیت سالخورده ۲۵ ساله و بالاتر در آن کشورهاست که اگر نسبت جمعیت سالمند ۷ درصد یا بالاتر باشد، جمعیت آن کشور سالخورده و اگر بین ۴ تا ۶ درصد باشد جمعیت بزرگسال و اگر جمعیت سالخورده آن زیر ۴ درصد باشد، آن کشور دارای جمعیت جوان است.)

۳ - حسن ملک جاه، بازنفتگی در سازمان‌های دولتی، تهران: چاپخانه کاروان، ۱۳۵۱، ص ۲۲ و ۲۳

4. Corlo Allorto Masini , Internatignal soial securit assotiation Genera 1974. P3-25

۵ - پروین مستوفی زاده مهر، بررسی مسائل سالمندان منطقه بی‌سیم نجف آباد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۲ و ۲۳

۶ - علیرضا، صداتی، تجزیه و تحلیل پیرامون مشکلات سالمندان در ایران (پایان نامه کارشناسی ارشد) تهران: ۱۳۶۱ دانشکده علوم اجتماعی ص ۵۴ - ۵۲

7. Sir john walley soial security 1972 p.3

۸ - ناهید حاجیان، سیمین بلورچی، راهنمای رژیم‌های غذایی، چاپخانه افق تهران، سال ۱۳۵۲، ص ۲۰۲

۹ - محمد علی، پیرداد، دسگرگونی پایگاه اجتماعی سالمندان در ایران، (پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: ۱۳۵۱ دانشگاه علامه طباطبائی ص ۱۳ - ۱۲

